



به نام خالق هستی

Course

درس

Individual Translation 2

ترجمه انفرادی ۲

Supervisor

استاد راهنما

Dr. Mostafa Bahraman

دکتر مصطفی بهرامن

Student's Name

نام دانشجو

Seyyed Hussein Seyyedi Moghaddam

سید حسین سیدی مقدم

Academic Year 2020-21

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

**\*\*تمامی اصول نگارشی و ویراستاری در ترجمه کنونی از کتاب «فرهنگ املائی خط فارسی» فرهنگستان  
استفاده شده است.**

## Indicating difference across two sentences

It is very difficult to get away from calendar time in literate societies.	By contrast, In contrast, On the other hand,	many people in oral communities have little idea of the calendar year of their birth.
--	--	---

### نشان دادن تفاوت میان دو جمله

بسیاری از افراد در اجتماع، خاطره کمی از سال تولدشان دارند.	درمقابل، درعوض، ازسوی دیگر،	جوامع باسواد به روزشمار تقویم بسیار اهمیت می دهند.
--	-----------------------------------	--

## Indicating similarity across two sentences

Young children learning their first language need simplified input.	Similarly, Likewise, In the same way,	low level adult L2 learners need graded input supplied in most cases by a teacher.
---	---	--

### نشان دادن شباهت میان دو جمله

یادگیرندگان زبان دوم در بزرگسالان با سطح پایه، به مطالب درجه بندی شده نیاز دارند که در بیشتر موارد به دست معلم تهیه می شود.	به همین ترتیب، همین طور، به همین منوال،	بچه های خردسال که زبان اول را می آموزند، به مطالبی با پیچیدگی کمتر نیاز دارند.
---	---	--

## Defining Terms

In academic work students are often expected to give definitions of key words and phrases in order to demonstrate to their tutors that they understand these terms clearly. Academic writers generally, however, define terms so that their readers understand exactly what is meant when certain key terms are used. When important words are not clearly understood misinterpretation may result. In fact, many disagreements (academic, legal, diplomatic, personal) arise as a result of different interpretations of the same term. In academic writing, teachers and their students often have to explore these differing interpretations before moving on to study a topic.

## تعریف مفاهیم

در کارهای دانشگاهی به طور معمول از دانشجویان انتظار می‌رود تا تعریف‌هایی از کلمه‌ها و عبارت‌های کلیدی ارائه دهند و به مدرسانشان ثابت کنند که این مفاهیم را به وضوح می‌فهمند. با این حال، بیشتر نویسندگان متون دانشگاهی، واژه‌های کلیدی را مشخص می‌کنند تا خوانندگان منظور برخی از متون را به درستی بفهمند. وقتی واژه‌های مهم به طور واضح درک نشده باشند، امکان سوء تعبیر وجود دارد. در واقع، بسیاری از اختلاف‌ها (علمی، حقوقی، سیاسی، شخصی) در نتیجه تفسیرهای مختلف از یک مفهوم مشابه به وجود می‌آیند. در نوشتار دانشگاهی، استادان و دانشجویان اغلب مجبورند تا این تفسیرهای متفاوت را قبل از مطالعه یک موضوع بیابند.

### Introductory phrases:

It is necessary here to clarify exactly what is meant by ....

This shows a need to be explicit about exactly what is meant by the word X.

X is a term frequently used in the literature, but to date there is no consensus about ....

There is a degree of uncertainty around the terminology in ....

### عبارت‌های مقدمه‌ای:

در اینجا لازم است به طور دقیق منظور از ... مشخص شود.

در جمله قبل، باید معنای دقیق کلمه X مشخص باشد.

X مفهومی است که در ادبیات بسیار استفاده می‌شود، اما تا به امروز اتفاق نظر در خصوص ... حاصل نشده است.

مقداری تردید درباره واژه‌گزینی ... وجود دارد.

### Simple three-part definitions

A university is	an institution	where knowledge is produced and passed on to others
Social Economics may be defined as	the branch of economics	[which is] concerned with the measurement causes and consequences of social problems.
Research may be defined as	a systematic process	which consists of three elements or components: (1) a question, problem, or hypothesis, (2) data, and (3) analysis and interpretation of data.
Braille is	a system	of touch reading and writing for blind people in which raised dots on paper represent the letters of the alphabet.

## تعریف‌های سه‌بخشی ساده

دانشگاه	دانشکده	مکانی است که دانش حاصل و به دیگران آموخته می‌شود.
اقتصاد اجتماعی ممکن است به این صورت تعریف شود	شاخه اقتصاد	که مربوط به اندازه‌گیری علل و پیامدهای چالش‌های اجتماعی است.
تحقیق ممکن است به این صورت تعریف شود	فرایند سازمان‌یافته	که از سه عنصر یا مؤلفه تشکیل شده است: (۱) سوال، مسئله یا فرضیه، (۲) داده‌ها و (۳) تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها.
خط برجسته مخصوص نابینایان	سازوکار	خواندن و نوشتن با لمس برای افراد نابینا که در آن نقاط برجسته‌شده روی کاغذ، حروف الفبا را نشان می‌دهد.

## General meanings or application of meanings

The term X refers to ....

The term X encompasses A), B), and C).

X can be defined as .... It encompasses ....

X can be loosely described as a correlation.

The term X has come to be used to refer to ....

The term X is generally understood to mean ....

The term X has been applied to situations where students ....

In the literature, the term tends to be used to refer to ....

The broad use of the term X is sometimes equated with ....

Whereas X refers to the operations of ....., Y refers to the ....

The term disease refers to a biological event characterised by ....

The term X is a relatively new name for a Y, commonly referred to....

In broad biological terms, X can be defined as any stimulus that is ....

Defined as XYZ, obesity is now considered a worldwide epidemic and is associated with ....

### معنی‌های کلی یا کاربرد معنی‌ها

مفهوم X به ... اشاره دارد.  
مفهوم X شامل A، B و C است.  
X می‌تواند در جایگاه ... تعریف شود. این شامل ... است.  
X می‌تواند تاحدودی یک همبستگی باشد.  
مفهوم X برای اشاره به ... استفاده شده است.  
مفهوم X به‌طور کلی به‌معنای ... پذیرفته شده است.  
مفهوم X در شرایطی که دانشجویان ... به‌کار رفته است.  
در ادبیات، به‌نظر می‌رسد این مفهوم برای اشاره به ... استفاده شود.  
کاربرد گسترده مفهوم X گاهی اوقات برابر با ... شمرده می‌شود.  
درعین حال که X به فعالیت‌های ... دلالت می‌کند، Y به ... اشاره دارد.  
مفهوم بیماری به یک رویداد زیستی اشاره دارد که با کمک ... مشخص می‌شود.  
مفهوم X نامی به‌نسبت جدید برای Y است که به‌طور عادی به ... گفته می‌شود.  
ازنظر شرایط زیستی پهناور، X را می‌توان همانند هر محرکی تعریف کرد که ... باشد.  
بر اساس تعریف XYZ، چاقی اکنون یک همه‌گیری در سراسر جهان محسوب می‌شود و با ... مرتبط است.

### Indicating difficulties in defining a term

A generally accepted definition of X is lacking.

Unfortunately, X remains a poorly defined term.

The term X embodies a multitude of concepts which ....

A further definition is given by Smith (1982) who describes ....

In the field of language teaching, various definitions of X are found.

Smith (2001) identified four abilities that might be subsumed under the term X: a) ....

Although differences of opinion still exist, there appears to be some agreement that X refers to ....

X is a commonly-used notion in language learning and yet it is a concept difficult to define precisely.

### نشان دادن دشواری‌ها در تعریف یک مفهوم

تعریف جامع و پذیرفته‌شده‌ای از X وجود ندارد.  
متأسفانه، مفهوم X بد تعریف شده و باقی مانده است.  
مفهوم X تجسم بسیاری از مفاهیم است که ...  
اسمیت در سال ۱۹۸۲ ... را توصیف می‌کند. ایشان برای ... تعریف بیشتری ارائه داده است.  
در زمینه آموزش زبان، تعریف‌های مختلفی از X یافت می‌شود.  
اسمیت در سال ۲۰۰۱ چهار توانایی را شناسایی کرد که ممکن است زیرمجموعه مفهوم X باشند: الف) ...  
اختلاف نظر هنوز پابرجاست، اما به نظر می‌رسد توافقی وجود دارد که X به ... اشاره می‌کند.  
X مفهومی رایج در یادگیری زبان است و با این وجود، تعریف دقیق آن مفهومی دشوار است.

### Specifying terms that are used in an essay or thesis

In the present report, X was therefore defined in terms of ....

In this essay, the term X will be used in its broadest sense to refer to all ....

In this paper, the term that will be used to describe this phenomenon is X.

In this dissertation, the terms X and Y are used interchangeably to mean ....

Throughout this thesis, the term education is used to refer to informal systems as well as ....

While a variety of definitions of the term X have been suggested, this paper will use the definition first suggested by Smith (1968) who saw it as ....

### مفاهیم مناسب برای استفاده در مقاله یا پایان‌نامه

در گزارش فعلی، X از نظر مفهوم ... تعریف شد.  
در مقاله کنونی، مفهوم X به معنای گسترده‌اش برای اشاره به همه ... استفاده خواهد شد.  
در این مقاله، مفهومی که برای توصیف این پدیده استفاده خواهد شد، X است.  
در پایان‌نامه مذکور، مفاهیم X و Y به جای هم به معنی ... استفاده می‌شوند.  
در همه جای این پایان‌نامه، مفهوم آموزش برای اشاره به سازوکار غیررسمی همانند ... استفاده می‌شود.  
تعریف‌های متنوعی از مفهوم X پیشنهاد شده است، اما در مقاله فعلی از تعریفی استفاده شد که برای اولین بار  
اسمیت در سال ۱۹۶۸ پیشنهاد داد.

## Referring to people's definitions: author prominent

For Smith (2001), fluency means/refers to ....

Smith (2001) uses the term 'fluency' to refer to ....

Smith (1954) was apparently the first to use the term ....

The term 'fluency' is used by Smith (2001) to refer to ....

Macro-stabilisation policy is defined by Smith (2003: 119) as '... ...'

This definition is close to those of Smith (2012) and Jones (2013) who define X as ...

In 1987, sports psychologist John Smith popularized the term 'X' to describe ....

According to a definition provided by Smith (2001:23), fluency is 'the maximally ....

Aristotle defines the imagination as 'the movement which results upon an actual sensation.'

One of the first people to define nursing was Florence Nightingale (1860), who wrote: '... ...'

Chomsky writes that a grammar is a 'device of some sort for producing the' (1957, p.11).

Smith, has shown that, as late as 1920, Jones was using the term 'X' to refer to particular ....

The term 'matter' is used by Aristotle in four overlapping senses. First, it is the underlying ....

Secondly, it is the potential which ....

Smith et al. (2002) have provided a new definition of health: 'health is a state of being with physical, cultural, psychological ....'

### مراجعه به مفهوم‌های استفاده‌شده افراد: از نویسندۀ سرشناس

از سوی اسمیت در سال ۲۰۰۱، شیوایی کلام به معنای / اشاره به ... اعلام شد.

اسمیت در سال ۲۰۰۱ از مفهوم «شیوایی کلام» برای اشاره به ... استفاده می‌کند.

به‌ظاهر، اسمیت در سال ۱۹۵۴ اولین کسی بود که از مفهوم ... استفاده کرد.

مفهوم «شیوایی کلام» به‌دست اسمیت در سال ۲۰۰۱ برای اشاره به ... استفاده می‌شد.

سیاست ثبات کلان به‌دست اسمیت در سال (۲۰۰۳: ۱۱۹) با عنوان «...» تعریف شده است.



این مفهوم نزدیک به تعریف اسمیت در سال ۲۰۱۲ و جونز در سال ۲۰۱۳ است که X را همچون ... تعریف می‌کنند.

در سال ۱۹۸۷، روانشناس ورزش‌ها جان اسمیت، مفهوم X را برای توصیف ... رواج داد.

طبق تعریفی که اسمیت در سال (۲۰۰۱: ۲۳) ارائه داد، شیوایی کلام در اوج ... است.

ارسطو تصویرسازی را چنین تعریف می‌کند: «حرکتی که نتیجه‌اش یک حس واقعی است.»

یکی از اولین کسانی که پرستاری را تبیین کرد، فلورانس نایتینگل در سال ۱۸۶۰ بود که نوشت: «...»

چامسکی می‌نویسد، گرامر «نوعی شیوه برای تولید ... است» (۱۹۵۷، ص. ۱۱).

اسمیت نشان داده است تا اواخر سال ۱۹۲۰، جونز از مفهوم «X» برای اشاره به خصوصیات ... استفاده می‌کرد.

مفهوم «ماهیت» به‌دست ارسطو در چهار حس همپوشانی استفاده شده است. اول، زیربنای ... است.

دوم، توانمندی که ... است.

اسمیت و همکاران در سال ۲۰۰۲، تعریف جدیدی از سلامتی ارائه داده‌اند: «سلامتی، داشتن شرایطی از نظر جسمی، فرهنگی، روانی و ... است.»

### Referring to people's definitions: author non-prominent

Validity is the degree to which an assessment process or device measures what it is intended to measure (Smith *et al.*, 1986)

#### مراجعه به مفهوم‌های استفاده‌شده افراد: از نویسندۀ گمنام

اعتبار درجه‌ای از فرایند ارزیابی یا شیوه اندازه‌گیری می‌باشد که برای چیزی در نظر گرفته شده است (اسمیت و همکاران، در سال ۱۹۸۶).

### Describing Trends and Projections

A trend is the general direction in which something is developing or changing over time. A projection is a prediction of future change. Trends and projections are usually illustrated using line graphs in which the horizontal axis represents time. Some of the language commonly used for writing about trends and projections is given below.

## توصیف روندها و طرح‌ها

روند، جهت کلی است که در آن چیزی در طول زمان در حال توسعه یا تغییر می‌باشد. طرح، پیش‌بینی تغییر آینده است. روندها و طرح‌ها اغلب با استفاده از نمودارهای خطی نشان داده می‌شوند که در آنها محور افقی زمان را نشان می‌دهد. برخی از زبان‌هایی که اغلب برای نوشتن درخصوص روندها و طرح‌ها استفاده می‌شود، در زیر آورده شده است.

### Describing trends

<p>The graph shows that there has been a</p> <p>Figure 2 reveals that there has been a</p>	<p>slight gradual slow steady marked steep sharp</p>	<p>increase rise decrease fall decline drop</p>	<p>in the number of divorces in England and Wales since 1981.</p>
--	--	---	---

## توصیف روندها

<p>تعداد طلاق‌ها در انگلیس و ولز از سال ۱۹۸۱</p>	<p>افزایش پیشرفت کاهش افت زوال سقوط</p>	<p>خفیف تدریجی آهسته مداوم چشمگیر تند تیز</p>	<p>نمودار نشان از وجود ... دارد شکل ۲ نشان از وجود ... دارد</p>
--	---	---	---

### Describing high and low points in figures

The number of live births outside marriage reached a peak during the second world war.

The peak age for committing a crime is 18.

Oil production peaked in 1985.

Gas production reached a (new) low in 1990.

## توصیف نقاط بالا و پایین در شکل

تعداد متولدین زنده قبل از ازدواج والدین، در طول جنگ جهانی دوم به اوج خود رسید.  
 حداکثر سن ارتکاب جرم ۱۸ سال است.  
 تولید نفت در سال ۱۹۸۵ به اوج خود رسید.  
 تولید گاز در سال ۱۹۹۰ به پایین ترین حد (بی سابقه) رسید.

## Projecting trends

The number of Xs The amount of Y The rate of Z	is projected to is expected to is likely to will probably	decline steadily drop sharply level off	after 2020.
--	--	---	----------------

## طرح ریزی روندها

تعداد Xs مقدار Y میزان Z	پیش بینی می شود انتظار می رود احتمال دارد احتمال خواهد داشت	به طور پیوسته کاهش می یابد افت شدید به ثبات رسیدن	بعد از سال ۲۰۲۰
--------------------------------	--	---	--------------------

## Describing Quantities

The language for writing about quantities can be a complex area for non-native speakers because there are many combinations of short grammar words, such as prepositions and pronouns, and these can easily be confused. Many of the phrases given below also contain approximators such as: *nearly, approximately, over half, less than, just over*.

## توصیف کمیت ها

زبان نوشتار مربوط به کمیت ها می تواند برای سخنوران غیربومی دشوار باشد، زیرا ترکیب های زیادی از کلمات دستوری کوتاه مانند حروف اضافه و ضمائر وجود دارد که به راحتی با هم اشتباه گرفته می شوند. بسیاری از عبارت های آورده شده در زیر، حاوی کلمه های تخمین زننده از قبیل: تاحدی، کم و بیش، بیش از نیمی، کمتر از و بیش از حد، است.

## Describing ratios and proportions

The proportion of live births outside marriage reached one in ten in 1945.  
The proportion of the population attending emergency departments was 65% higher in X than ....  
Singapore has the highest proportion of millionaire households.  
East Anglia had the lowest proportion of lone parents at only 14 per cent.  
The annual birth rate dropped from 44.4 to 38.6 per 1000 per annum.

### توصیف مقیاس‌ها و نسبت‌ها

نسبت متولدین زنده قبل از ازدواج والدین در سال ۱۹۴۵ یک به ده بوده است.  
نسبت جمعیتی که در بخش‌های اورژانس حضور دارند، ۶۵ درصد بیشتر از X نسبت به ... بود.  
سنگاپور بالاترین نسبت را در خانوارهای میلیونر دارد.  
آنگلیای شرقی با تنها ۱۴ درصد کمترین نسبت را در والدین مجرد داشت.  
میزان زاد و ولد سالانه از ۴۴,۴ درصد به ۳۸,۶ درصد در هر هزار نفر کاهش یافته است.

## Describing fractions

Over half of those surveyed indicated that ....  
Of the 148 patients who completed the questionnaire, just over half indicated that ....  
Approximately half of those surveyed did not comment on ....  
Nearly half of the respondents (48%) agreed that ....  
Less than a third of those who responded (32%) indicated that ....  
The number of first marriages in the United Kingdom fell by nearly two-fifths.

### توصیف کسری

بیش از نیمی از افراد بررسی‌شده، این را نشان داد که ....  
از ۱۴۸ بیمار که پرسشنامه را تکمیل کردند، بیش از نیمی از آنها اظهار داشتند که ....  
کم‌وبیش نیمی از نظرسنجی‌ها روی ... هیچ نظری ندادند.  
تاحدی نیمی از پاسخ‌دهندگان (۴۸ درصد) موافقت کردند که ....  
کمتر از یک سوم پاسخ‌دهندگان (۳۲ درصد) اظهار داشتند که ....  
تعداد ازدواج اولی‌ها در انگلستان تا حد دو پنجم کاهش یافت.

## Describing percentages

The response rate was 60% at six months and 56% at 12 months.  
Returned surveys from 34 radiologists yielded a 34% response rate.

70% of those who were interviewed indicated that ....

Since 1981, England has experienced an 89% increase in crime.

The mean income of the bottom 20 percent of U.S. families declined from \$10,716 in 1970 to ....

X found that of 2,500 abortions, 58% were in young women aged 15-24, of whom 62% were ....

He also noted that less than 10% of the articles included in his study cited ....

In 1960 just over 5% of live births in 1960 were outside marriage.

### توصیف درصد

میزان پاسخ در شش ماه ۶۰ درصد و در ۱۲ ماه ۵۶ درصد بود.

نظرسنجی‌های انجام‌شده از ۳۴ متخصص رادیولوژی ۳۴ درصد جوابیه را نشان داد.

۷۰ درصد از کسانی که مصاحبه شدند، اظهار داشتند که ....

از سال ۱۹۸۱، انگلیس ۸۹ درصد رشد را در جرم و جنایت تجربه کرده است.

میانگین درآمد در ۲۰ درصد سطح پایین خانواده‌های ایالات متحده از ۱۰۷۱۶ دلار در سال ۱۹۷۰ به .... کاهش داشته است.

X دریافت که از ۲۵۰۰ سقط جنین، ۵۸ درصد مربوط به زنان جوان ۱۵ تا ۲۴ سال بود که ۶۲ درصد آنها ... بودند. او همچنین خاطرنشان کرد، کمتر از ۱۰ درصد مقالاتی که در مطالعه وی ذکر شده است، شامل .... در سال ۱۹۶۰ بیش از ۵ درصد کودکان، متولدین زنده قبل از ازدواج والدین بوده‌اند.

### Describing averages

This figure can be seen as the average life expectancy at various ages.

The proposed model suggests a steep decline in mean life expectancy ....

Roman slaves probably had a lower than average life expectancy.

The average of 12 observations in the X, Y and Z is 19.2 mgs/m ....

The mean score for the two trials was subjected to multivariate analysis of variance to determine ....

The mean income of the bottom 20 percent of U.S. families declined from \$10,716 in 1970 to ....

### توصیف میانگین‌ها

این رقم را می‌توان متوسط امید به زندگی در سنین مختلف دانست.

نمونه پیشنهادی، کاهش چشم‌گیر میانگین امید به زندگی را نشان می‌دهد ....

بردگان رومی شاید امید به زندگی کمتر از متوسط داشتند.

میانگین ۱۲ مشاهده برای  $X$ ،  $Y$  و  $Z$ ، ۱۹،۲ میلی گرم/متر است ...  
میانگین نمره برای دو آزمون در تجزیه و تحلیل واریانس چند متغیره قرار گرفت تا تعیین شود ....  
میانگین درآمد در ۲۰ درصد سطح پایین خانواده های ایالات متحده از ۱۰۷۱۶ دلار در سال ۱۹۷۰ به ... کاهش داشته است.

## **Describing ranges**

Estimates of  $X$  range from 200,000 to 700,000 and up to a million or more.

The respondents had practised for an average of 15 years (range 6 to 35 years).

The participants were aged 19 to 25 and were from both rural and urban backgrounds.

They calculated ranges of journal use from 10.7%–36.4% for the humanities, 25%–57% for ....

Rates of decline ranged from 2.71– 0.08 cm day (Table 11) with a mean of 0.97 cm per day.

The evidence shows that life expectancy from birth lies in the range of twenty to thirty years.

Between 575 and 590 metres depth the sea floor is extremely flat, with an average slope of ....

The mean income of the bottom 20 percent of U.S. families declined from \$10,716 to \$9,833.

## **توصیف دامنه**

تخمین  $X$  از ۰ هزار تا ۷۰۰ هزار و تا یک میلیون یا بیشتر است.  
پاسخ دهندگان به طور متوسط ۱۵ سال (محدوده ۶ تا ۳۵ سال) تمرین داشتند.  
شرکت کنندگان ۱۹ تا ۲۵ سال سن داشتند و از دو روستا و شهر بودند.  
آنها بسامد استفاده مقاله را از ۱۰،۷ تا ۳۶،۴ درصد برای علوم انسانی، ۲۵ تا ۵۷ درصد برای ... محاسبه کردند.  
میزان کاهش روزانه در محدوده ۰،۰۸ تا ۲،۷۱ سانتی متر (جدول ۱۱) و با میانگین ۰،۹۷ سانتی متر در روز بود.  
شواهد نشان می دهد که امید به زندگی از بدو تولد در محدوده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال است.  
در عمق دریا بین ۵۷۵ تا ۵۹۰ متر با سطحی بسیار مسطح است و همچنین با شیب متوسط ....  
متوسط درآمد در ۲۰ درصد سطح پایین خانواده های ایالات متحده از ۱۰۷۱۶ به ۹۸۳۳ دلار کاهش یافته است.

## Explaining Causality

A great deal of academic work involves understanding and suggesting solutions to problems. At postgraduate level, particularly in applied fields, students search out problems to study. In fact, one could say that problems are the raw material for a significant proportion of academic activity.

However, solutions cannot be suggested unless the problem is fully analysed, and this involves a thorough understanding of the causes. Some of the language that you may find useful for explaining causes and effects is listed below.

### توضیح علیت

بسیاری از کارهای دانشگاهی، شامل درک و پیشنهاد راه‌حلی برای مشکل‌ها است. در مقطع تحصیلات تکمیلی به‌ویژه رشته‌های کاربردی، دانشجویان برای مطالعه به دنبال مشکل‌ها هستند. درواقع، می‌توان گفت که مشکل‌ها موضوع پایه برای بسیاری از فعالیت‌های دانشگاهی می‌باشند. با این حال، تا زمانی که مشکل به‌طور کامل تجزیه و تحلیل نشود، نمی‌توان راه‌حلی را پیشنهاد داد. این موضوع، شامل داشتن درک کاملی از علت مشکل است. برخی از زبان‌هایی را که ممکن است برای توضیح علت و معلول‌ها مفید بدانید، در زیر ذکر شده است.

### Verbs indicating causality

Lack of protein	may cause can lead to can result in	mental disability.
-----------------	---	--------------------

Scurvy is a disease	caused by resulting from stemming from	lack of vitamin C.
---------------------	--	--------------------

Much of the instability in X	stems from	the economic effects of the war.
------------------------------	------------	----------------------------------

Low levels of chlorine	can give rise to	high blood pressure.
------------------------	------------------	----------------------

## افعال نشانگر علیت

ناتوانی ذهنی شود.	ممکن است منجر به می تواند سبب می تواند منجر به	کمبود پروتئین
کمبود ویتامین C است.	ناشی از پیامد در نتیجه	بیماری اسکوربوت
تأثیرهای اقتصادی جنگ دارد.	ریشه در	بیشتر بی ثباتی X
فشار خون شود.	می تواند منجر به	مقادیر کم کلر

## Nouns indicating causality

The most likely causes of X are poor diet and lack of exercise.

The causes of X have been the subject of intense debate within ....

A consequence of vitamin A deficiency is blindness.

X can have profound health consequences for older people.

Physical activity is an important factor in maintaining fitness.

Many other medications have an influence on cholesterol levels.

Another reason why Xs have declined is that ....



## اسامی نشانگر علیت

<p>محتمل ترین علت X، رژیم غذایی نامناسب و ورزش نکردن است.</p> <p>علل X موضوع بحث مهیجی در ... بوده است.</p> <p>نتیجه کمبود ویتامین A نابینایی است.</p> <p>X می تواند عواقب بسیار بدی برای سلامتی در افراد مسن داشته باشد.</p> <p>فعالیت بدنی عامل مهمی در حفظ تناسب اندام است.</p> <p>بسیاری از داروهای دیگر بر میزان کلسترول تأثیر دارند.</p> <p>دلیل دیگر کاهش Xها این است که ....</p>
--

## Prepositional phrases indicating causality

200,000 people per year become deaf	<p>owing to</p> <p>because of</p> <p>as a result of</p> <p>as a consequence of</p>	a lack of iodine.
-------------------------------------	--	-------------------

## گروه های حرف اضافه نشانگر علیت

کمبود ید است.	<p>به خاطر</p> <p>به دلیل</p> <p>به سبب</p> <p>در نتیجه</p>	۲۰۰ هزار نفر سالانه ناشنوا می شوند که
---------------	---	---------------------------------------

## Sentence connectors indicating causality

If undernourished children do survive to become adults, they have decreased learning ability.	<p>Therefore,</p> <p>Consequently,</p> <p>Because of this,</p> <p>As a result (of this),</p>	when they grow up, it will probably be difficult for them to find work.
---	--	---

### رابطه‌های جمله نشانگر علیت

اگر کودکانی که گرفتار سوء تغذیه هستند تا بزرگسالی زنده بمانند، توانایی یادگیری آنها کاهش می‌یابد.	بنابراین، در نتیجه، به همین دلیل، به سبب (این امر)،	وقتی بزرگ شوند، شاید یافتن کار برای آنها دشوار باشد.
---	--	--

### Adverbial phrases indicating causality

Malnutrition leads to illness and a reduced ability to work in adulthood,  The warm air rises above the surface of the sea,	thus  there by	perpetuating the poverty cycle.  creating an area of low pressure.
---	----------------------	--

### گروه‌های قیدی نشانگر علیت

سوء تغذیه منجر به بیماری و کاهش توانایی کار در بزرگسالی می‌شود، هوای گرم از سطح دریا بالا می‌رود،	بنابراین  به موجب آن	چرخه فقر را تداوم می‌بخشد.  ناحیه‌ای با فشار پایین ایجاد می‌شود.
--	----------------------------	--

### Other examples

X and Y are important driving factors of Z.

As a consequence of X, it appears that Y alone is not the causative factor of....

Extreme loneliness is a risk factor for X.

X is almost as strong a risk factor for disability as Y.

X is generally seen as a factor strongly related to Y.

Due to X and Y, inflowing surface water becomes more dense as it ....

The mixing of X and Y exerts a powerful effect upon Z through ....

The study found that loneliness has twice the impact on early death as obesity does.

Loneliness can have profound health consequences for older people.

### سایر نمونه‌ها

X و Y از عوامل مهم و محرک Z هستند.  
در جهت نتیجه X، به نظر می‌رسد که Y به‌تنهایی عامل اثرگذار در ... نباشد.  
دلتنگی مفرط عامل خطری برای X است.  
X کم‌وبیش به همان اندازه Y عامل خطر مهلکی در ناتوانی است.  
X در کل به‌نظر عاملی است که به‌شدت با Y مرتبط می‌باشد.

به‌واسطه X و Y، ورودی آب سطحی همانند ... بیشتر متراکم می‌شود.  
اختلاط X و Y تأثیر زیادی بر Z از طریق ... دارد.  
این مطالعه نشان داد که تنهایی دو برابر چاقی در مرگ زودرس تأثیر دارد.  
تنهایی می‌تواند عواقب اساسی روی سلامتی در افراد مسن به‌همراه داشته باشد.

### Possible cause and effect relationships expressed tentatively

This suggests a weak link may exist between X and Y.

The human papilloma virus is linked to most cervical cancer.

The use of X may be linked to behaviour problems in ....

There is some evidence that X may affect Y.

The findings indicate that regular exercise could improve cognitive function in people at risk of ....

It is not yet clear whether X is made worse by Y.

### روابط محتمل و آزمایشی در علت و معلولی یادشده

نشان از این دارد که ممکن است رابطه‌ی ضعیفی بین X و Y وجود داشته باشد.  
ویروس غده‌ خوش‌خیم پوست انسان، بیشتر با سرطان دهانه‌ رحم در ارتباط است.  
استفاده از X ممکن است با مشکل‌های رفتاری در ... ارتباط داشته باشد.  
برخی شواهد نشان می‌دهد که X می‌تواند Y را تحت‌تأثیر قرار دهد.  
یافته‌ها نشان می‌دهد که ورزش منظم می‌تواند عملکرد شناختی را بین افراد در معرض خطر ... بهبود بخشد.  
هنوز مشخص نیست که آیا X به‌دست Y بدتر می‌شود یا خیر.

X may have been an important factor in ....  
X may have contributed to the increase in ....  
X may have played a vital role in bringing about ....  
X may have been caused by an increase in ....

In the literature, X has been associated with Y.

X in many cases may be associated with certain bacterial infections.

A high consumption of X could be associated with infertility.

X ممکن است یک عامل مهم در ... باشد.

X ممکن است در افزایش ... نقش داشته باشد.

X ممکن است نقشی حیاتی در ایجاد ... بازی کند.

X ممکن است ناشی از افزایش ... باشد.

در ادبیات، X با Y مرتبط بوده است.

X در بسیاری از موارد ممکن است با عفونت‌های باکتریایی خاصی همراه باشد.

مصرف زیاد X می‌تواند با ناباروری همراه باشد.

## Giving Examples as Support

Writers may give specific examples as evidence to support their general claims or arguments. Examples can also be used to help the reader or listener understand unfamiliar or difficult concepts, and they tend to be easier to remember. For this reason, they are often used in teaching. Finally, students may be required to give examples in their work to demonstrate that they have understood a complex problem or concept. It is important to note that when statements are supported with examples, the explicit language signalling this may not always be used.

### تکیه بر مثال‌ها

نویسندگان ممکن است مثال‌های خاصی را در مقام مدرکی برای اثبات ادعا یا استدلال‌های کلی خود ارائه دهند. همچنین، می‌توان از نمونه‌هایی در جهت کمک به خواننده یا شنونده برای درک مفاهیم ناآشنا یا دشوار استفاده کرد و یادآوری آنها به‌طور معمول آسان است. به‌همین دلیل، این نمونه‌ها اغلب در تدریس استفاده می‌شوند. سرانجام، ممکن است دانش‌آموزان ملزم به ارائه مثال‌هایی در کارشان باشند تا نشان دهند که یک مسئله یا مفهوم پیچیده را درک کرده‌اند. توجه به این نکته اهمیت دارد که وقتی عبارت‌ها با تکیه بر مثال بیان می‌شود، ممکن نیست همیشه از زبانی واضح و روشن استفاده شود.

## Examples as the main information in a sentence

A An	well-known notable classic useful important	example of X is .....
---------	---	-----------------------

## مثال‌ها در جایگاه اطلاعات اصلی در جمله

مثالی از X ... است.	مشهور سرشناس اصیل ثمربخش ذی نفوذ	فرد  شخص
---------------------	--	----------------

For example, the word ‘doctor’ used to mean a ‘learned man’.

For example, Smith and Jones (2004) conducted a series of semi-structured interviews in ....

Young people begin smoking for a variety of reasons. They may, for example, be influenced by ....

An example of this is the study carried out by Smith (2004) in which ....

This is exemplified in the work undertaken by ....

Another example of what is meant by X is ....

The effectiveness of the X technique has been exemplified in a report by Smith et al (2010)

This distinction is further exemplified in studies using ....

برای مثال، کلمه «دکتر» در گذشته به معنای «یک انسان دانشمند» بود.  
برای مثال، اسمیت و جونز در سال ۲۰۰۴ یک سری مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته را در ... انجام دادند.  
جوانان سیگار کشیدن را به دلایل مختلف شروع می‌کنند. برای مثال، ممکن است تحت تأثیر ... باشند.

نمونه‌ای از این موضوع، مطالعه انجام شده به دست اسمیت در سال ۲۰۰۴ است که در آن ....  
این مثال در کار انجام شده به یاری ... است.  
نمونه دیگری از منظور X، ... است.  
اثر بخشی X فناوری می باشد که در گزارشی به کمک اسمیت و همکاران در سال ۲۰۱۰ مثال زده شده است.  
این تمایز در مطالعات با استفاده از ... بیشتر خودنمایی می کند.

This is certainly true in the case of ....  
In a similar case in America, Smith (1992) identified ....  
This can be seen in the case of the two London physics laboratories which ....  
This is evident in the case of ....  
The evidence of X can be clearly seen in the case of ....  
  
X is a good illustration of ....  
This can be illustrated briefly by ....  
X illustrates this point this point clearly.  
By way of illustration, Smith (2003) shows how the data for ....  
These experiments illustrate that X and Y have distinct functions in ....

این موضوع، به طور حتم در رابطه با ... صحیح است.  
اسمیت سال ۱۹۹۲ نمونه مشابهی در آمریکا از ... شناسایی کرد.  
این را می توان در خصوص دو آزمایشگاه فیزیک لندن که ... مشاهده کرد.  
این قضیه شواهدی درباره ... است.  
شواهد X را می توان به وضوح راجع به ... مشاهده کرد.

X مصداق خوبی از ... است.  
این را می توان به طور خلاصه با کمک ... به تصویر کشید.  
X این نکته را به وضوح نشان می دهد.  
با روش تجسم گری، اسمیت در سال ۲۰۰۳ نشان می دهد که چگونه داده ها برای ... مجسم می شود.  
این آزمایش ها نشان می دهد که X و Y توابع مشخصی در ... هستند.

### Examples as additional information in a sentence

Young people begin smoking for a variety of reasons, such as pressure from peers and the role model of parents.

Pavlov found that if some other stimulus, for example the ringing of a bell, preceded the food, the dog would start salivating.

In Paris, Gassendi kept in close contact with many other prominent scholars, such as Kepler, Galileo, Hobbes, and Descartes.

The prices of resources, such as copper, iron ore, oil, coal and aluminium, have declined in real terms over the past 20 years.

Many diseases can result at least in part from stress, including: arthritis, asthma, migraine, headaches and ulcers.

### مثال‌ها در جایگاه اطلاعات اضافی در جمله

جوانان به دلایل مختلف سیگار می‌کشند، مانند ترغیب هم‌سن‌وسالان و الگوگرفتن والدین. پاولف متوجه شد که اگر برخی از دیگر محرک‌ها، مانند زنگ‌زدن، مقدم بر غذا باشد، بزاق سگ ترشح می‌شود. در پاریس، گاسندی با بسیاری از دیگر محققان برجسته مانند کپلر، گالیله، هابز و دکارت ارتباط نزدیک داشت. قیمت منابع مانند مس، سنگ آهن، نفت، زغال سنگ و آلومینیوم، در طول ۲۰ سال گذشته به‌طور واقعی کاهش یافته است. بسیاری از بیماری‌ها از جمله آرتروز، آسم، میگرن، سردرد و گوارش می‌توانند حداقل تا حدی ناشی از استرس باشند.

### Reporting cases as support

Overall, these cases support the view that .... This case has shown that ....

This has been seen in the case of ....

The case reported here illustrates the ....

This case study confirms the importance of ....

The evidence presented thus far supports the idea that ....

This case demonstrates how X used innovative marketing strategies in ....

As this case very clearly demonstrates, it is important that ....

This case reveals the need for further investigation in patients with ....

This case demonstrates the need for better strategies for ....

In support of X, Y has been shown to induce Y in several cases (Smith et al., 2001).

Recent cases reported by Smith et al. (2013) also support the hypothesis that ....

## گزارش مواردی برای پشتیبانی

به‌طور کلی، این موارد از نظر ... پشتیبانی می‌کنند.  
این موضوع نشان داده است که ....  
این موضوع، درخصوص ... دیده شده است.  
موضوع گزارش شده در اینجا نشان‌دهنده ... است.  
این مطالعه موردی اهمیت ... را تأیید می‌کند.  
تاکنون این ایده را شواهد ارائه‌شده پشتیبانی می‌کند که ....  
این موضوع نشان می‌دهد که چگونه X از راهبردهای نوآورانه بازاریابی در ... استفاده می‌کند.  
همان‌طور که این موضوع به‌وضوح نشان می‌دهد، مهم است که ....  
این موضوع نیاز به تحقیق‌های بیشتر را در بیماران مبتلا به ... فاش می‌کند.  
این موضوع از نیاز به راهبردهای بهتر برای ... حاکی است.  
بر اساس X و Y، حکایت این چنین است که در چندین قضیه Y استنتاج می‌شود (اسمیت و همکاران در سال ۲۰۰۱).  
موارد اخیر به‌دست اسمیت و همکاران در سال ۲۰۱۳ گزارش شده است. همچنین از این فرضیه که ... پشتیبانی می‌کند.

## Signalling Transition

Previewing what is to follow in a paper or dissertation is like showing a map to a driver; it enables them to see where they are going. So it is useful to think of a preview section as a 'road map' for the reader. It must be accurate, but it must be easy to follow.

Writers are also expected to indicate to the reader when they are moving from one topic to another, or from one section of text to another. These are known as transition statements and examples of these, together with some previewing statements, are given below.

## انتقال جهت‌دار

مرور اجمالی بر آنچه در مقاله یا پایان‌نامه دنبال می‌شود، مانند نشان دادن نقشه به یک راننده است. آنها را قادر می‌سازد تا ببینند که به کجا می‌روند. بنابراین، مفید است که بخش مرور اجمالی را در مقام یک «نقشه راه» برای مخاطب در نظر بگیرید. بخش مرور اجمالی باید دقیق باشد، اما استفاده از آن باید آسان باشد. همچنین، از نویسندگان انتظار می‌رود تا هنگام گریز از موضوعی به موضوع دیگر یا از بخشی از متن به مبحث دیگر، آن را برای خواننده تبیین کنند. این‌ها در جایگاه گزاره‌های انتقالی شناخته می‌شوند و نمونه‌هایی از این موارد، همراه با برخی از گزاره‌ها برای مرور اجمالی، در زیر آورده شده است.



## Previewing sections of text

The purpose of this chapter is to review the literature on X. It begins by ....

This introductory section provides a brief overview of .... It then goes on to ....

This part of the thesis discusses the findings which emerged from the statistical analysis presented in the previous chapter.

This chapter describes and discusses the methods used in this investigation. The first section ... The second part moves on to describe in greater detail the ....

The final chapter of this dissertation is divided into two parts. The first ....

This chapter is divided into four main sections, each of which presents the results relating to one of the research questions.

The structure and biological functions of Xs will be discussed in the forthcoming sections.

## مرور اجمالی بر بخش‌های متن

هدف از این قسمت، بررسی ادبیات مربوط به X است. این مقاله با کمک ... آغاز می‌شود.

بخش مقدمه، خلاصه‌ای از ... ارائه می‌دهد و سپس با ... ادامه می‌یابد.

در این بخش از مقاله، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل آماری ارائه شده در بخش قبل بحث شده است.

این بخش روش‌های به کاررفته در این تحقیق را توصیف و بحث می‌کند. قسمت اول شامل .... قسمت دوم ادامه می‌یابد تا جزئیات بیشتر در خصوص ... را بیان کند.

بخش آخر این مقاله به دو قسمت تقسیم می‌شود. قسمت اول ....

این بخش به چهار قسمت اصلی تقسیم شده است که در هر قسمت نتایج مربوط به یکی از سوال‌های تحقیق بیان شده است.

ساختار و عملکردهای زیستی X در بخش‌های بعدی بحث خواهد شد.

## Introducing a new topic or aspect of a topic

As regards X, ....

With respect to X, ....

With regard to X, ....

Regarding X, ....

As far as X is concerned, ....

In terms of X, ....

In the case of X ....

### معرفی یک موضوع جدید یا جنبه‌ای از یک موضوع

در رابطه با X، ....

با توجه به X، ....

با در نظر داشتن X، ....

راجع به X، ....

تا آنجا که به X مربوط می‌شود، ....

بر حسب X، ....

در صورتی که X ....

### Reintroducing a topic

As was pointed out in the introduction to this paper, ....

As was mentioned in the previous chapter, ....

As explained earlier, ....

As explained in the introduction, it is clear that ....

As described on the previous page, ....

As discussed above, ....

Returning (briefly) to the (subject/issue) of X, ....

### معرفی مجدد یک موضوع

همان‌طور که در مقدمهٔ این مقاله اشاره شد، ....

همان‌طور که در بخش قبل ذکر شد، ....

همان‌طور که قبل‌تر توضیح داده شد، ....

همان‌طور که در مقدمه توضیح داده شد، روشن است که ....

همان‌طور که در صفحهٔ قبلی توضیح داده شد، ....

همان‌طور که در بالا گفته شد، ....

ارجاع (مختصر) به (موضوع یا مسئله) X، ....

## Moving from one section to the next

So far this paper/chapter has focussed on X. The following section will discuss ....

Before proceeding to examine X, it will be necessary to ....

Before employing these theories to examine X, it is necessary to ....

Having defined what is meant by X, I will now move on to discuss ....

Having discussed how to construct X, the final section of this paper addresses ways of ....

This section has analysed the causes of X and has argued that .... The next part of this paper will ....

This chapter has demonstrated that .... It is now necessary to explain the course of ....

Turning now to the experimental evidence on ....

This (chapter) follows on from the previous (chapter), which (examined/laid out/outlined) X.

## گذر از یک بخش به بخش دیگر

تاکنون این مقاله/بخش روی X تمرکز داشت. بخش زیر در رابطه با ... بحث خواهد کرد.

قبل از شروع به بررسی X، لازم است تا ....

قبل از استفاده از این تئوری‌ها برای بررسی X، لازم است تا ....

با گفتن منظور X، اکنون به بحث ... ادامه می‌دهم.

پس از بحث درخصوص چگونگی ارائه X، بخش آخر این مقاله به روش‌های ... می‌پردازد.

در این بخش علل X تجزیه و تحلیل شده و ادعا شده است که .... قسمت بعدی این مقاله ....

این بخش نشان داده است که .... اکنون توضیح روش ... لازم است.

اکنون به شواهد تجربی در ... روی می‌آوریم.

این بخش از بخش قبلی پیروی می‌کند که X (بررسی شد/شرح داده شد/مطرح شد).

## Moving from one section to the next whilst indicating addition, contrast or opposition

In addition, it is important to ask ....

On the other hand, in spite of much new knowledge about the role of ...,

However, this system also has a number of serious drawbacks.

Despite this, little progress has been made in the ....

گذر از یک بخش به بخش دیگر در حالی که نشانگر اضافه کردن، تضاد یا تقابل است

علاوه بر این، مهم است که ... خواسته شود.

از طرف دیگر، علی رغم دانش جدید و زیاد در خصوص نقش ....

همچنین این دستگاه تعدادی اشکال جدی دارد.

با وجود این، پیشرفت اندکی در ... به وجود آمده است.

## Previewing a following section

This raises questions about X which will be discussed in the next chapter.

The next chapter describes synthesis and evaluation of ....

In the section that follows, it will be argued that ....

The following is a brief report on a ....

What follows is a description/outline/account of ...

The problem of X is discussed in the following section.

## مرور اجمالی بر بخش بعدی

این موضوع سؤالاتی را راجع به X ایجاد می کند که در بخش بعدی بحث خواهد شد.

در بخش بعدی، هم نهشتی و ارزیابی ... مطرح می شود.

بخشی که در ادامه می آید، بحث خواهد شد که ....

در زیر گزارش مختصری از یک ....

آنچه در ادامه می آید توصیف/طرح کلی/گزارشی از ... است.

مشکل X در بخش زیر بحث شده است.

## Transition statements for results and discussion

Turning now to the experimental evidence on ....

Comparing the two results, it can be seen that ....

A comparison of the two results reveals ....

As pointed out in the introduction to this paper, ....

From the previous discussion, it can be seen that .....

It is also worth noting that X is significantly more frequent in ....

The differences between X and Y are highlighted in Table 4.

## گزاره های انتقال برای نتایج و بحث

اکنون به شواهد تجربی در رابطه با ... می پردازیم.

با مقایسه این دو نتیجه می توان دریافت که ....

مقایسه دو نتیجه نشان می دهد ....  
همان طور که در مقدمه این مقاله اشاره شد ....  
از بحث قبلی می توان دریافت که .....  
همچنین لازم به ذکر است که X بسیار بیشتر درباره ... می باشد.  
تفاوت بین X و Y بیشتر در جدول ۴ نمایان شده است.

## Summary and preview

This section has reviewed the three key aspects of ....

This chapter has described the methods used in this investigation and it has ....

In this section, it has been explained that .... The chapter that follows moves on to consider the....

This chapter began by describing X and arguing that .... It went on to suggest that the ... The next chapter describes the procedures and methods used in this investigation

These analytical procedures and the results obtained from them are described in the next chapter

A summary of the main findings and of the principal issues and suggestions which have arisen in this discussion are provided in the next chapter, which ...

In the next section, I will present some of the findings of my empirical research on the impact of ....

## خلاصه و مرور اجمالی

این بخش سه جنبه اصلی را بررسی کرده است ...  
این بخش روش های استفاده شده در این تحقیق را شرح داده است و دارای ... است.  
در این بخش توضیح داده شده است که .... بخشی که در ادامه می آید ادامه دارد تا ....  
این بخش با توصیف X و استدلال بر اینکه ... شروع شد و ادامه داد که .... در بخش بعدی روش ها و اصول استفاده شده در این تحقیق شرح داده شده است.  
این روش های تحلیلی و نتایج به دست آمده از آنها در بخش بعدی شرح داده شده است.  
خلاصه ای از یافته های اصلی و مهم ترین موضوع ها و پیشنهادهای مطرح شده این بحث در بخش بعدی که ... ارائه شده است.  
در بخش بعدی، برخی از یافته های تحقیق تجربی ام را در رابطه با تأثیر ... بحث خواهم کرد.

## Writing about the Past

Writing about the past in English is made difficult by the rather complex tense system. However, the phrases grouped below give an indication of the uses of the main tenses in academic writing. For a comprehensive explanation of the uses of the various tenses you will need to consult a good English grammar book. A good recommendation is *Practical English Usage* by Michael Swan, Oxford University Press.

### نوشتن درباره مطالب قبلی

نوشتن درباره مطالب قبلی به زبان انگلیسی، آن هم با یک چهارچوب زمانی به نسبت پیچیده کار دشواری است. با این حال، عبارت‌های گروه‌بندی شده در زیر، نشانگر زمان‌های فعل رایج در نوشتار دانشگاهی است. برای توضیح جامع در خصوص کاربردهای مختلف زمان، باید یک کتاب دستور زبان انگلیسی مناسب را بررسی کنید. یک توصیه خوب، کتاب «کاربرد عملی انگلیسی» به نویسندگی مایکل سوان، انتشارات دانشگاه آکسفورد است.

### Time phrases associated with the use of the simple past tense: specific times or periods of time in the past, completed

During the Nazi period,  
Between 1933 and 1945,  
From 1933 to 1945,  
In the 1930s and 1940s,

restrictions were placed on German academics.

عبارت‌های زمانی مرتبط برای استفاده از زمان گذشته ساده: زمان‌ها یا دوره‌های زمانی خاص در گذشته کامل

محدودیت‌هایی برای دانشگاهیان آلمان اعمال شد.	طی دوره نازی‌ها، بین سال ۱۹۳۳ و ۱۹۴۵ از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰
--	--

For centuries, In the second half of the 19th century, At the end of the nineteenth century,	church authorities placed restrictions on academics.
--	--

Following World War I,  In 1999,	Fleming actively searched for anti-bacterial agents.  Fleming was named one of the <i>100 Most Important People</i> of the century.
--	---

مستولان کلیسا محدودیت‌هایی را برای دانشگاهیان ایجاد کردند.	قرن‌ها،  در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم،  در پایان قرن نوزدهم،
---	---

فلمینگ با جدیت به دنبال عوامل ضدباکتری بود. فلمینگ یکی از ۱۰۰ فرد مهم قرن لقب گرفت.	پس از جنگ جهانی اول،  در سال ۱۹۹۹،
--	--

### Time phrases associated with the use of the present perfect tense: past and present connected

To date, little evidence has been found associating X with Y. Up to now, the research has tended to focus on X rather than on Y.

Since 1965, these four economies have doubled their share of world production and trade. So far, three factors have been identified as being potentially important: X, Y, and Z.

عبارت‌های زمانی مرتبط با استفاده از زمان حال کامل: گذشته استمراری و حال استمراری

تاکنون، شواهد کمی برای رابطه X با Y پیدا شده است.

تا به امروز، تحقیق‌ها بیشتر روی X متمرکز بوده است تا Y.

از سال ۱۹۶۵، این چهار اقتصاد سهمشان را از تولید و تجارت جهانی دوبرابر کرده‌اند.

تا اینجا، سه عامل مهم و بالقوه شناخته شده‌اند: X، Y و Z.

Until recently, there has been little interest in X.

Recently, these questions have been addressed by researchers in many fields.

In recent years, researchers have investigated a variety of approaches to X but ....

More recently, literature has emerged that offers contradictory findings about ....

The past decade has seen the rapid development of X in many ....

Over the past few decades, the world has seen the stunning transformation of X, Y and Z.

Over the past century there has been a dramatic increase in ....

تا همین اواخر، علاقه کمی به X وجود داشته است.

به تازگی، این سوال‌ها به دست محققان در بسیاری از زمینه‌ها مطرح شده است.

در سال‌های اخیر، محققان روش‌های مختلف X را بررسی کرده‌اند، اما ....

در همین اواخر، ادبیاتی ظهور کرده است که یافته‌های متناقضی درباره ... ارائه می‌دهد.

در دهه گذشته، شاهد پیشرفت سریع X در بسیاری از ... بوده‌ایم.

طی چند دهه گذشته، جهان شاهد تحول خیره‌کننده‌ای از X، Y و Z بوده است.

در طی قرن گذشته، افزایش چشمگیری در ... وجود داشته است.

**The present perfect tense may also be used to describe research or scholarly activity that has taken place recently**

Several studies have revealed that ....

Previous studies of X have not dealt with ....



A considerable amount of literature has been published on X.

There have been several investigations into the causes of illiteracy (Smith, 1985; Jones, 1987).

The new material has been shown to enhance cooling properties (Smith, 1985, Jones, 1987).

Invasive plants have been identified as major contributing factors for the decline of ....

The relationship between a diet high in fats and poor health has been widely investigated (Smith, 1985, Jones, ....

استفاده از زمان حال کامل برای توصیف تحقیق‌ها یا فعالیت‌های علمی که به‌تازگی اتفاق افتاده

چند مطالعه نشان داده است که ...

در پژوهش‌های قبلی X با ... سروکار نداشته است.

تعداد زیادی از آثار ادبی درباره X منتشر شده است.

تحقیق‌های زیادی راجع به علل بیسوادی انجام شده است (اسمیت، ۱۹۸۵؛ جونز، ۱۹۸۷).

مشخص شده است که ماده جدید موجب بهبود حالت خنک‌سازی می‌شود (اسمیت، ۱۹۸۵؛ جونز، ۱۹۸۷).

گیاهان پیش‌رونده در مقام عوامل مؤثر در کاهش ... مشخص شده‌اند.

رابطه بین مصرف چربی زیاد و نداشتن سلامتی در بسیاری از موارد بررسی شده است (اسمیت، ۱۹۸۵؛ جونز، ....

**For reference to single investigations or publications in the past the simple past tense is used**

In 1975, Smith et al. published a paper in which they described ....

In 1990, Patel et al. demonstrated that replacement of H<sub>2</sub>O with heavy water led to ....

In the 1950s, Gunnar Myrdal pointed to some of the ways in which .... (Myrdal, 1957)

In 1981, Smith and co-workers demonstrated that X induced in vitro resistance to ....

In 1984, Jones et al. made several amino acid esters of X and evaluated them as ....

An experimental demonstration of this effect was first carried out by ....

The first experimental realisation of ....., by Smith et al., used a ....

The first systematic study of X was reported by Patel et al. in 1986.

استفاده از زمان گذشته ساده برای رجوع به تحقیق‌ها یا نشریه‌های خاص در گذشته

در سال ۱۹۷۵، اسمیت و همکاران مقاله‌ای منتشر کردند که در آن ... توصیف شد.  
در سال ۱۹۹۰، پاتل و همکاران نشان دادند که جایگزین کردن آب خالص با آب سنگین منجر به ... شد.  
در دهه ۱۹۵۰، گونار میردال به برخی از روش‌های ... اشاره کرد. (میردال، ۱۹۵۷)  
در سال ۱۹۸۱، اسمیت و همکارانش نشان دادند که X موجب مقاومت آزمایشگاه در برابر ... می‌شود.  
در سال ۱۹۸۴، جونز و همکاران چندین استر آمینو اسید X ساخته و آنها را در جایگاه ... ارزیابی کرده‌اند.  
یک نمایش تجربی از این اثر ابتدا به‌دست ... انجام شد.  
در اولین تجزیه و تحلیل تجربی ... به‌دست اسمیت و همکاران، از یک ... استفاده شده است.  
اولین مطالعه نظام‌مند X به‌دست پاتل و همکاران در سال ۱۹۸۶ گزارش شد.

Erythromycin was originally isolated from X in a soil sample from .... (Wang *et al.*, 1952). Smith and Jones (1994) were the first to describe X, and reported that ....

Thirty years later, Smith (1974) reported three cases of *Candida Albicans* which ....

اریترومایسین در اصل از X در یک نمونه خاک از ... برداشت شد. (وانگ و همکاران، ۱۹۵۲).  
اسمیت و جونز در سال ۱۹۹۴ اولین کسانی بودند که X را توصیف کردند و گزارش دادند که ....  
۳۰ سال بعد، اسمیت در سال ۱۹۷۴ سه نوع از قارچ کاندیدا آلبیکانس را گزارش کرد که ....

## **Notes on academic writing**

**نکته‌های مربوط به نوشتار دانشگاهی**

## A note on academic style

The principal characteristics of written academic style are listed below.

### 1. Evidence-based

Perhaps the most important distinguishing feature of written academic style is that it is evidence-based. Writers support their arguments and claims with evidence from the body of knowledge relevant to their discipline. In addition, any research that is undertaken, must make reference to previous work in the field. As a result, academic texts are rich in attributions to other writers and references to previous research, as seen in the examples below:

#### نکته‌ای دربارهٔ سبک نگارش دانشگاهی

در زیر مشخصات اصلی از سبک نگارش دانشگاهی ذکر شده است.

#### ۱- مبتنی بر شواهد

شاید مهم‌ترین ویژگی متمایز سبک نگارش دانشگاهی، مبتنی بر شواهد بودن آن باشد. نویسندگان ادله و ادعاهایشان را با شواهدی از مجموعه دانش مرتبط با رشته‌شان پوشش می‌دهند. علاوه بر این، هر تحقیقی که انجام شود، باید به کارهای قبلی در این زمینه اشاره داشته باشد. در نتیجه، متن‌های دانشگاهی از نظر انتساب به نویسندگان دیگر و ارجاع به تحقیق‌های قبلی غنی هستند، همان‌طور که در مثال‌های زیر مشاهده می‌شود:

- *Previous studies have shown that ....*
- *These sources suggest that from the fifth century onwards .....*
- *According to the 1957 Annual Medical report, the death of the 960 inhabitants of .....*
- *However, as has been shown elsewhere (e.g. Smith, 1992), the increase in ....*

- مطالعه‌های قبلی نشان داده است که ....
- این منابع حاکی از آن است که از قرن پنجم به بعد ....
- طبق گزارش سالانهٔ پزشکی در سال ۱۹۵۷، مرگ ۹۶۰ نفر از ساکنان ....
- بالاین‌حال، همان‌طور که در جای دیگر نشان داده شده است (برای مثال اسمیت، سال ۱۹۹۲)، افزایش در ....

For further examples, refer to the section on ***Referring to the Literature*** in this document.

In addition, general propositions are usually supported with real examples.

- *This can be seen in the case of ....*
- *A good example of this can be found in ....*

برای مثال‌های بیشتر، به بخش **مراجعه به نوشتارهای وابسته به حرفه علمی** همین مقاله مراجعه کنید.

همچنین، عبارت‌های کلی اغلب با مثال‌های واقعی پوشش داده می‌شوند.

- این را می‌توان در رابطه با ... مشاهده کرد.
- نمونه خوبی از این را می‌توان در ... یافت.

## 2. Words of classical origin

Unlike everyday English, academic writing is characterised by a high frequency of words of classical origin (Greek and Latin). The main reason for this is that Latin was the *lingua academica* during the European renaissance; in other words, it was the international language of scholars. Even up until relatively recently, great works of science, such as Isaac Newton's *Philosophiæ Naturalis Principia Mathematica* (1687), were written in Latin. Even where academic texts were written in English, words of classical origin were used for concepts and phenomena for which there was no equivalent in English.

### ۲- کلماتی که منشأ قدیمی دارند

برخلاف انگلیسی روزمره، نگارش دانشگاهی با فراوانی بالای کلمات و منشأ قدیمی (یونانی و لاتین) شناخته می‌شود. دلیل اصلی این است که لاتین، زبان بین‌المللی در دوره رنسانس اروپا بود. به عبارت دیگر، زبان بین‌المللی دانشمندان بود. حتی در همین اواخر، کارهای بزرگی از علوم، مانند «اصول ریاضی و فلسفه طبیعی از نیوتن»، به زبان لاتین نوشته شده است. حتی در مواردی که متون دانشگاهی به انگلیسی نوشته می‌شدند، از کلمات با منشأ قدیمی برای مفاهیم و پدیده‌هایی استفاده می‌شد که معادل آنها در انگلیسی وجود نداشت.

Although the *lingua academica* of today is English, writers of academic English still tend to use words which are derived from Latin, and also, mainly through Latin, from Greek.

everyday words
worry
story
get rid of
a lot of
not enough
trouble
big
way (of doing)
bring together
thing

academic words
concern
account
eradicate
considerable
insufficient
difficulty
significant
method
synthesise
object

امروزه زبان بین‌المللی انگلیسی است، اما نویسندگان انگلیسی‌نویس دانشگاهی هنوز تمایل دارند کلماتی را استفاده کنند که از لاتین گرفته شده است. آنها از طریق لاتین، از زبان یونانی نیز استفاده می‌کنند.

کلمات دانشگاهی	کلمات روزمره
نگرانی	نگران‌بودن
گزارش	داستان
ریشه‌کن کردن	خلاص‌شدن از شر
در خور نگرش	بسیاری از
ناکافی	کافی نبودن
سختی	دردسر
بسیار زیاد	بزرگ
روش	راه برای (انجام)
ترکیب	گرد هم آوردن
شیء	چیزی

There are also some changes to grammatical words (though these are not of classical origin):

everyday words	academic words
not much research	little research
not many studies	few studies
isn't any evidence	no evidence

در کلمات دستوری نیز تغییرهایی ایجاد شده است (اگرچه اینها قدیمی نیستند):

کلمات دانشگاهی	کلمات روزمره
تحقیقات اندک	تحقیق زیاد نیست
مطالعات کمی	مطالعات زیادی نیست
بدون مدرک	هیچ مدرکی نیست

### 3. Cautious

Academic writers are careful about the claims they make: they take care not to appear certain where some doubt may exist, and they are careful not to over-generalise. An example of this kind of transformation can be seen below. The second sentence is in academic style:

- *Drinking alcohol causes breast cancer in women.* →
- *Some studies suggest that drinking alcohol increases the risk of breast cancer.*

For more examples of this kind of language, refer to the section on ***Being Cautious***.

### ۳- محتاط

نویسندگان دانشگاهی در ادعاهایی که دارند دقت می‌کنند: آنها مراقبند در مواردی که مردم هستند قطعی به نظر نرسند و مراقب هستند که چیزی را بیش از حد تعمیم ندهند. نمونه‌ای از این نوع تحول را می‌توان در زیر مشاهده کرد. جمله دوم به سبک دانشگاهی است:

- نوشیدن الکل موجب سرطان سینه در زنان می‌شود.
- برخی مطالعات نشان می‌دهد که نوشیدن الکل خطر ابتلا به سرطان سینه را افزایش می‌دهد.

برای نمونه‌های بیشتر از این نوع نوشتار، به بخش **احتیاط** مراجعه کنید.

### 4. Impersonal

In the interests of objectivity, academic writers tend to remove themselves from the writing. The focus is on 'what' happened, 'how' it was done and 'what' was found. The 'who' (the writer) is not normally given very much attention. This is one of the reasons why personal pronouns ('I' and 'we') tend not to be used. In addition, academic texts rarely address the reader directly and the pronoun normally used for this, 'you', is avoided.

- *You could say that Churchill made some catastrophic decisions early in the War* →
- *It can be said that Churchill made some catastrophic decisions early in the War*

#### ۴- بدون فاعل

به منظور عینیت، نویسندگان دانشگاهی تمایل دارند خود را (فاعل) از نوشتار حذف کنند. به این منظور که روی «آنچه» رخ داده است، «چگونه» انجام شده و «آنچه» به دست آمده است) تمرکز کنند. به طور معمول به «فرد» (نویسنده) توجه زیادی نمی‌شود. این یکی از دلایل عدم استفاده از ضمیرهای شخصی («من» و «ما») است. علاوه بر این، متون دانشگاهی به ندرت آشکارا مخاطب را خطاب قرار می‌دهند و از ضمیری که به طور معمول برای آن فرد استفاده می‌گردد، یعنی «شما» اجتناب می‌شود.

- شما می‌توانید بگویید چرچیل در اوایل جنگ تصمیم‌های فاجعه‌باری گرفت.
- می‌توان گفت چرچیل در اوایل جنگ تصمیم‌های فاجعه‌باری گرفت.

There are some exceptions: in certain disciplines, it may be appropriate for a writer to explain their personal interest in the research area. In some disciplines, the researcher may participate in the research as a participant-observer. In these cases, 'I' will be used. The example below, which illustrates the former situation, is taken from a dissertation in History.

*I became interested in X after reading .... I hope to convey some of my fascination for the subject, as well as expressing my admiration of the artistic achievements of those involved*

In research undertaken by teams, for example in medicine and science, it is common for the research to be reported using the personal pronoun 'we'.

استثنا هم وجود دارد: در برخی از رشته‌ها، ممکن است مناسب باشد تا فرد نویسنده علاقه شخصی خود را در زمینه تحقیق توضیح دهد. در بعضی از رشته‌ها، محقق ممکن است در جایگاه فرد شرکت‌کننده یا مشاهده‌کننده در تحقیق حضور یابد. در این موارد، از ضمیر «من» استفاده خواهد شد. مثال زیر، وضعیت بیان‌شده را نشان می‌دهد که از رساله‌ای تاریخی گرفته شده است.

من پس از خواندن ... به X علاقه‌مند شدم. امیدوارم بتوانم شیفتگی‌ام را راجع به موضوع بیان کنم و همچنین شگفت‌زدگی خود را از دستاوردهای هنری افراد درگیر ابراز کنم.

در تحقیق‌های انجام‌شده گروه‌ها، برای مثال در پزشکی و علوم، معمول است که گزارش با استفاده از ضمیر شخصی «ما» بیان شود.

#### 5. Nominalisation

There is a tendency for academic writers to transform verbs (actions) into nouns. In the example below, the verb 'abandoned' becomes the abstract noun 'abandonment'.



- *Unwanted Roman children were generally abandoned in a public place.* →
- *The abandonment of unwanted Roman children generally occurred in a public place.*

#### ۵- اسمی‌گری

این گرایش وجود دارد که نویسندگان دانشگاهی فعل‌ها (کنش‌ها) را به اسم تبدیل کنند. در مثال زیر، فعل «رهاشده» به اسم انتزاعی «متروکه» تبدیل می‌شود.

- کودکان «ناخواسته به دنیا آمده» رومی، بیشتر در یک مکان عمومی رها می‌شدند.
- ترک کودکان «ناخواسته به دنیا آمده» رومی بیشتر در یک مکان عمومی رخ داده است.

As a result of this kind of transformation, academic writing is characterised by long noun phrase constructions, as in: 'the abandonment of unwanted Roman children'. In certain cases, these nominalised forms can become long and complex:

در نتیجه این نوع تغییر، نوشتار دانشگاهی با ساختارهای گروه اسمی طولانی مشخص می‌شود، مانند: «ترک کودکان ناخواسته رومی». در موارد خاص، این شکل‌های اسمی می‌توانند طولانی و پیچیده شوند:

- *the effect of reducing aggressiveness by producing an ACTH-mediated condition of decreased androgen levels*

Although this kind of construction is considered normal in scientific writing, unless the reader is familiar with the constructions, it does make reading difficult as there are so many pieces of information to process in the one sentence. There is an argument that too much nominalisation should be discouraged.

- تأثیر کاهش میزان پرخاشگری با ایجاد شرایطی در حضور پلی پپتید و کاهش سطح هورمون مردانه

تا جایی که خواننده با ساختارها آشنا نباشد، این نوع ساختار در نوشتار علمی طبیعی تلقی می‌شود. اما خوانش آن دشوار است، زیرا اطلاعات زیادی برای پردازش در یک جمله وجود دارد. دلیلی وجود دارد که باید از اسمی‌گری زیاد منصرف شویم.

## 6. Rhetorical questions

Questions to introduce significant new ideas are avoided, and are replaced with statements:

- *Is the welfare system good or not?* →
- *It is important to consider the effectiveness of the British welfare system.*

### ۶- استفهام انکاری

از طرح سوال برای معرفی اندیشه‌های مهم و جدید اجتناب شود و با جملات خبری جایگزین گردد:

- آیا نظام رفاهی خوب است یا خیر؟
- در نظر گرفتن اثربخشی نظام رفاهی انگلیس مهم است.

## 7. Contracted forms avoided

Contracted forms (e.g. *it's*, *don't*, *isn't*, *aren't*) should not be used in academic writing. The only exception would be if you re transcribing a recorded conversation or interview.

### ۷- استفاده نکردن از حالت‌های قراردادی

از حالت‌های قراردادی (برای مثال: *آن/ست*، *نمی‌شود*، *نیست*، *نیستند*) نباید در نوشتار دانشگاهی استفاده شود. تنها استثنای موجود در صورت رونوشت برداشتن از مکالمه یا مصاحبه ضبط شده است.

## 8. Precise and detailed

Last of all, one of the most noticeable features of academic writing is that it is very precise and detailed. This relates to the setting out and development of the thinking and the ideas as well as to the language used in the writing.

### ۸- صریح و با جزئیات

آخر اینکه یکی از بارزترین ویژگی‌های نوشتار دانشگاهی بسیار صریح بودن و با جزئیات نوشتن است. این موضوع مربوط به پیاده‌سازی و سیر تفکر و اندیشه‌ها و همچنین زبان استفاده شده در نوشتار است.

## A note on commonly confused words

Your spell checker will only indicate words that are misspelt and which it does not recognise. However, if a misspelling results in a word which has another meaning or use, the spellchecker will not show this to you. Here is a list of words which are commonly confused:

## نکته‌ای درباره کلمات رایج و مبهم

غلط‌گیر املا فقط کلماتی را نشان می‌دهد که غلط املائی دارند و آنها را درک نمی‌کند. باین‌حال، اگر غلط املائی منجر به کلمه‌ای شود که معنی یا کاربرد دیگری دارد، غلط‌گیر املا آن را اشتباه در نظر نمی‌گیرد. در اینجا لیستی از کلمات وجود دارد که بیشتر اشتباه گرفته می‌شوند:

### Abbreviation/acronym

An *abbreviation* is a shortened form of a word or phrase. Usually, but not always, it consists of a letter or group of letters taken from the word or phrase. *Dr.* and *Prof.* are common examples. An *acronym* is an abbreviation formed from the initial components in a phrase or a word. These elements in turn form a new word: *NATO*, *Benelux*, *UNESCO*.

### مخفف‌سازی/سرواژه‌سازی

مخفف‌سازی شکل کوتاه‌شده یک کلمه یا عبارت است. نه همیشه، اما بیشتر اوقات از حرف یا گروهی از حروف گرفته‌شده از کلمه یا عبارت تشکیل شده است. دکتر و پروفیسور نمونه‌های متداول هستند. سرواژه‌سازی نوعی اختصار است که از اجزای اولیه در یک عبارت یا یک کلمه تشکیل شده است. این اجزا به‌نوبه خود کلمه جدیدی را ایجاد می‌کنند: ناتو، بنلوکس، یونسکو.

### affect/effect

*Affect* is a verb, e.g. *A affects B*;

*Effect* is a noun and is therefore always used after an article/determiner ('an' or 'the'/'this'), e.g. *The Greenhouse Effect*.

### اثر/اثرکردن

«اثرکردن» فعل است، برای مثال A بر B تأثیر می‌گذارد. «اثر» اسم است و بنابراین همیشه بعد از یک حرف تعریف/تعیین‌کننده («an» یا «the» / «this») استفاده می‌شود، برای مثال: اثر گلخانه‌ای.

### compliment/complement

*Compliment* (verb) means to praise someone. *Complement* (verb) means to complete something in a way that makes it very good. Both words can also be used as nouns.

### تحسین/مکمل

تحسین (فعل) به معنای ستایش کسی است. متمم (فعل) به معنای تکمیل چیزی است، به‌گونه‌ای که آن را بسیار خوب کند. از هر دو کلمه می‌توان در حالت اسم نیز استفاده کرد.

### comprise/consist

Both words mean 'to be made up of', but only consist is accompanied by *of*.

#### دربرداشتن/دارا بودن

هر دو کلمه به معنای «متشکل بودن از» است، اما فقط کلمه «دارا بودن» است که با *of* ترکیب می‌شود.

### discrete/discreet

*Discrete* is an adjective which means 'separate' or 'distinct'. *Discreet* is an adjective which means 'to keep silent or tactful about something'.

#### مجزا/محتاط

مجزا صفتی است که به معنی «جدا» یا «متمایز» است. محتاط صفتی است که به معنای «سکوت یا درایت دربارهٔ چیزی» است.

### formerly/formally

*Formerly* means 'earlier'. *Formally* means 'conventionally' or 'officially'.

#### پیشتر/ساختارمند

پیشتر به معنای «زودتر» است. ساختارمند به معنای «متعارف» یا «رسمی» است.

### i.e./e.g.

*i.e.* is the abbreviation for *id est* which mean 'that is' or 'in other words'.

*e.g.* is the abbreviation for *exempli gratia* which has the same meaning as 'for example' and 'for instance'.

#### بدین معنا/به عنوان مثال

بدین معنا مخفف *id est* است که به معنی «یعنی» یا «به عبارتی دیگر» است. به عنوان مثال، مخفف *exempli gratia* است که همان معنی «به عنوان مثال» و «برای مثال» را دارد.

### its/it's

*its* – without an apostrophe - is a possessive determiner similar to 'my' or 'your'.

*it's* is a contracted form of 'it is' or 'it has'. Note, however, that contracted forms are avoided in academic writing.

## آن/آن است

«آن» \_ بدون ویرگول بالا \_ یک تعیین کننده مالکیت مانند «من» یا «شما» است. «آن است» یک شکل قراردادی از «آن است» یا «آن دارد» است. باین حال، توجه داشته باشید که از شکل های قراردادی در نوشتن مقاله دانشگاهی خودداری می شود.

## later/latter

*Later* is an adverb which means 'at an advanced point of time'. *Latter* is an adjective used to refer to items listed in a text. It means 'most recently mentioned'; in other words, the last item.

## آتی/موضوع آخر

«آتی» قید است که به معنی «زمان پیش رو» می باشد. «موضوع آخر» صفتی است که برای اشاره به موارد ذکر شده در متن استفاده می شود. یعنی به معنای «به تازگی ذکر شده» است؛ به عبارت دیگر، آخرین موضوع.

## practice/practise

In British English, *practice* is a noun and *practise* is a verb. American English allows both spellings for both forms.

## تمرین/تمرین کردن

در انگلیسی بریتانیایی، «تمرین» اسم است و «تمرین کردن» فعل است. انگلیسی آمریکایی هر دو هجی را برای هر دو شکل مجاز می داند.

## precede/proceed

*Precede* means 'to come before'. *Proceed* means 'to go forward' or 'to begin to carry out'.

## مقدم/ادامه دادن

مقدم به معنی «آمدن قبل از» است. ادامه دادن به معنی «رفتن به جلو» یا «شروع به اجرا» است.

## principle/principal

*Principle* is a noun which means 'a basic belief, theory or rule'. *Principal* is an adjective which means 'main' or 'most important'.

## منشأ/عمده

«منشأ» اسم است که به معنی «باوری اساسی، نظریه یا قاعده» می‌باشد. «عمده» صفتی است که به معنی «اصلی» یا «مهم‌ترین» است.

## there/their

*There* is used to indicate the existence of something. *Their* is used to indicate possession, i.e. if something belongs to someone or something.

## آنجا/ آنها، شان

برای نشان دادن وجود چیزی از «آنجا» استفاده می‌شود. «آنها، شان» برای نشان دادن تعلق استفاده می‌شود، یعنی اگر چیزی متعلق به کسی یا شیئی باشد.

## prescribe/proscribe

*Prescribe* means to advise or authorise the use of something. *Proscribe* means to forbid or to restrict.

## تجویز/تحریم

تجویز به معنای «توصیه یا اجازه استفاده از چیزی» است. تحریم به معنای «منع یا محدود کردن» است.

## A note on British and US spelling

The most common difference which is noticed in academic writing concerns verbs which end in

*ise/yse* Br. or *ize/zye* US:

- *analyse* Br. v *analyze* US.
- *industrialise* Br. v *industrialize* US.

## نکته‌ای درباره املای انگلیسی و آمریکایی

رایج‌ترین تفاوتی که در نوشتار دانشگاهی مشاهده می‌شود، مربوط به افعالی است که به *ise/yse* انگلیسی یا *ize/zye* آمریکایی ختم می‌شوند:

- املای *analyse* در حالت انگلیسی در برابر املای *analyze* در حالت آمریکایی.
- املای *industrialise* در حالت انگلیسی در برابر املای *industrialize* در حالت آمریکایی.

This difference also affects the nouns derived from the verbs:

- *organisation* Br. v *organization* US.
- *globalisation* Br. v *globalization* US.

Another noticeable difference relates to words ending in *re*:

- *centre* Br. v *center* US.
- *metre* Br. v *meter* US.

این تفاوت بر اسامی مشتق شده از افعال نیز تأثیر می‌گذارد:

- املای *organisation* در حالت انگلیسی در برابر املای *organization* در حالت آمریکایی.
- املای *globalisation* در حالت انگلیسی در برابر املای *globalization* در حالت آمریکایی.

تفاوت محسوس دیگر مربوط به کلماتی است که به *re* ختم می‌شوند:

- املای *centre* در حالت انگلیسی در برابر املای *center* در حالت آمریکایی.
- املای *metre* در حالت انگلیسی در برابر املای *meter* در حالت آمریکایی.

Here are some other differences:

British		U S
<i>aeroplane</i>		<i>airplane</i>
<i>analogue</i>		<i>analog</i>
<i>behaviour</i>		<i>behavior</i>
<i>catalogue</i>		<i>catalog</i>
<i>colour</i>		<i>color</i>
<i>connection</i>		<i>connexion</i>
<i>defence</i>		<i>defense</i>
<i>endeavour</i>		<i>endeavour</i>
<i>encyclopaedia</i>		<i>encyclopedia</i>
<i>a</i>		
<i>fibre</i>		<i>fiber</i>
<i>foetus</i>		<i>fetus</i>
<i>instalment</i>		<i>installment</i>
<i>labour</i>		<i>labor</i>
<i>paediatric</i>		<i>pediatric</i>
<i>plough</i>		<i>plow</i>
<i>programme</i>		<i>program</i>
<i>rigour</i>		<i>rigor</i>
<i>sceptical</i>		<i>skeptical</i>
<i>skilful</i>		<i>skillful</i>
<i>travelled</i>		<i>traveled</i>

If you are writing for a British university or a British journal, you should use the British spelling.

در اینجا چند تفاوت دیگر وجود دارد:

املاى انگليسى		املاى آمريكايى
<i>aeroplane</i>	هواپیما	<i>airplane</i>
<i>analogue</i>	شباهت	<i>analog</i>
<i>behaviour</i>	رفتار	<i>behavior</i>
<i>catalogue</i>	فهرست	<i>catalog</i>
<i>colour</i>	رنگ	<i>color</i>
<i>connection</i>	ارتباط	<i>connexion</i>
<i>defence</i>	پدافند	<i>defense</i>
<i>endeavour</i>	مجاهدت	<i>endeavour</i>
<i>encyclopaedia</i>	دایره المعارف	<i>encyclopedia</i>
<i>fibre</i>	بافت الیاف	<i>fiber</i>
<i>foetus</i>	جنین	<i>fetus</i>
<i>instalment</i>	قسط	<i>installment</i>
<i>labour</i>	رنج	<i>labor</i>
<i>paediatric</i>	اطفال	<i>pediatric</i>
<i>plough</i>	شخم زدن	<i>plow</i>
<i>programme</i>	دستور کار	<i>program</i>
<i>rigour</i>	سختگیری	<i>rigor</i>
<i>sceptical</i>	شکاک	<i>skeptical</i>
<i>skilful</i>	ماهر	<i>skillful</i>
<i>travelled</i>	سفر کرده	<i>traveled</i>

اگر در دانشگاه انگلیس هستید یا مجله انگلیسی می نویسید، باید از املاى انگليسى استفاده کنید.

## A note on punctuation

As the purpose of punctuation is to make written English easier to read and to make the meaning clear and unambiguous, good, accurate punctuation is important in academic writing. The following notes highlight points of particular relevance to academic writing.

### نکته‌ای در خصوص علائم نگارشی

از آنجاکه هدف از علائم نگارشی این است که نوشتار انگلیسی را آسان تر بخوانید و معنی آن را واضح و بدون ابهام بیان کنید، علائم نگارشی مناسب و دقیق در نوشتار دانشگاهی اهمیت پیدا می کند. نکته های زیر موضوع هایی را که مربوط به مقاله نویسی دانشگاهی است پراهمیت می کند.



## 1. Full stop .

- To indicate the end of a sentence
- To indicate an abbreviation such as *etc.*, *et al.* (not always used)
- To indicate an omission in a quoted text [ ... ]

### ۱- علامت توقف کامل .

- نشانگر پایان جمله
- نشانگر مخفف‌هایی مانند *etc.*, *et al* (همیشه استفاده نمی‌شود)
- نشانگر حذف در متن نقل‌شده [ ... ]

## 2. Comma ,

- To separate two main parts of a sentence joined by words such as *and*, *or*, *but*,
- To separate a dependent part of a sentence (beginning with words such as *although*, *when*, *because*) from the main part, particularly if the dependent part comes first in the sentence
- To indicate additional information, *however relevant it may be*, in a sentence (parenthesis)
- To indicate a non-defining relative clause, *which simply provides additional information*, in a sentence
- To separate items in a list such as *clauses, phrases, nouns, adjectives, and adverbs*

### ۲- ویرگول ،

- برای جدا کردن دو قسمت اصلی جمله که با کلماتی مانند *و*، *یا*، *اما* به هم پیوسته‌اند.
- جدا کردن قسمت وابسته جمله (شروع با کلماتی مانند *اگرچه*، *وقتی*، *زیرا*) از قسمت اصلی، به‌ویژه اگر قسمت وابسته در ابتدای جمله بیاید.
- برای نشان‌دادن اطلاعات اضافی؛ هرچقدر مرتبط باشد، در یک جمله (پرانتز)
- نشان‌دادن بند نسبی تعریف نشده که به‌سادگی اطلاعات اضافی را در یک جمله ارائه می‌دهد
- برای جداکردن موارد در لیستی مانند جمله‌ها، عبارت‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها و قیده‌ها

## 3. Colon :

- To introduce an explanation: *The reason the experiment failed was obvious: the equipment was faulty.*
- To introduce a list, particularly a grammatically complex list: see the example below under *semi-colon*
- To introduce a direct quotation, particularly a long one: *Jones (2003) states that:*  
' .

### ۳- دو نقطه :

- برای بیان توضیح: دلیل عدم موفقیت آزمایش آشکار بود: تجهیزات از کار افتاده بودند.
- برای بیان یک لیست، به ویژه یک لیست پیچیده دستوری: به مثال زیر در قسمت نقطه ویرگول مراجعه کنید.
- برای بیان یک نقل قول مستقیم، به ویژه یک نقل قول طولانی: جونز در سال ۲۰۰۳ اظهار داشت که: «

### 4. Semi-colon ;

- To separate two sentences that are very closely connected in meaning (optional, in place of a full stop): *Some students prefer to write essays; others prefer to give presentations.*
- To separate clearly items in a grammatically complex list: *For Aristotle, motion is of four kinds: (1) motion which ....; (2) motion which ....; (3) motion which ....; and (4) motion which ....*

### ۴- نقطه ویرگول ؛

- برای جدا کردن دو جمله که از نظر معنی بسیار نزدیک به هم هستند (اختیاری، به جای یک نقطه کامل): بعضی از دانشجویان ترجیح می دهند مقاله بنویسند؛ تعدادی نیز ترجیح می دهند ارائه داشته باشند.
- برای جدا کردن موارد به صورت واضح در یک لیست پیچیده دستوری: برای ارسطو حرکت چهار نوع است: (۱) حرکتی که ....؛ (۲) حرکتی که ....؛ (۳) حرکتی که ....؛ و (۴) حرکتی که ....

### 5. Quotation marks ‘ ’ “ ”

- To indicate a direct quotation
- To highlight words or phrases used in a special or unusual way: *Quotation marks are also called ‘inverted commas’.*

**NB** Single quotation marks now seem to be more commonly used than double. For quotations within quotations, use double quotation marks inside single (or single inside double).

### ۵- علامت نقل قول “ ” ‘ ’

- برای نشان دادن نقل قول مستقیم
- برای برجسته سازی کلمه ها یا عبارت های استفاده شده به روشی خاص یا غیر معمول: به علامت های نقل قول «ویرگول برعکس» نیز گفته می شود.

به نظر می رسد اکنون علامت های نقل قول تک گانه بیشتر از دوتایی استفاده می شوند. برای نقل قول های داخل

نقل قول، از علامت‌های نقل قول دوتایی در داخل تک‌گانه (یا تک‌گانه در داخل دوتایی) استفاده کنید.

## 6. Dash —

- Generally avoid in formal academic writing. Replace by colon, semi-colon, or brackets, as appropriate.

### ۶- خط تیره —

- به‌طور کلی در نوشتار دانشگاهی رسمی از خط تیره خودداری کنید. در صورت لزوم با دو نقطه، نقطه ویرگول یا کروشه جایگزین شود.

## A note on article use

Articles use in English is a very complex area. However, there are a few simple rules which will help you in many situations and these are explained below:

### نکته‌ای دربارهٔ استفاده از حرف تعریف

استفاده از حرف تعریف در زبان انگلیسی حوزهٔ بسیار پیچیده‌ای است. با این وجود، چند قانون ساده وجود دارد که به شما در بسیاری از شرایط کمک می‌کند و این موارد در زیر توضیح داده می‌شود:

## 1. Singular countable nouns

All singular countable nouns are always preceded by a small modifying word known in grammar as a determiner, and this is often an article (*a/an, the*). Countable words which are common in academic writing and which cause problems for non-native speakers of English, include: *system, model, method, approach, group, problem, effect, level, investigation, sector, study, participant, condition, category*

### ۱- اسم‌های شمارش‌پذیر مفرد

تمام اسمی شمارش‌پذیر مفرد همیشه با یک کلمهٔ کوچک توصیف‌کننده در دستور زبان بیان می‌گردد که در جایگاه معرف شناخته می‌شوند و اغلب با حرف تعریف به‌کار می‌روند (*the, a/an*). کلمات شمارش‌پذیر در نوشتار دانشگاهی رایج است و موجب ایجاد مشکل‌هایی برای افراد غیر انگلیسی زبان می‌شود، عبارتند از: دستگاه، طرح، روش، رویکرد، گروه، مشکل، اثر، سطح، تحقیق، بخش، مطالعه، شرکت‌کننده، شرایط، مقوله.

Note that even if these words are preceded by uncountable nouns or adjectives a determiner is still needed:

- *the greenhouse effect, the transport system, the control group*
- *a high level, a systematic approach, a rigorous study, an exploratory investigation*

توجه داشته باشید که حتی اگر این کلمات با اسم یا صفت شمارش ناپذیر باشد، باز هم یک معرف لازم است:

- اثر گلخانه‌ای، نظام حمل‌ونقل، گروه هدایت
- سطح بالا، رویکرد نظام‌مند، مطالعه دقیق، تحقیق اکتشافی

## 2. Plural countable nouns

If the writer is thinking about a specific group, then the definite article is normally used:  
*The books in this collection were published in the 19th or early 20th century.*

Otherwise no article is used:

- *Learners tend to remember new facts when they are contextualised.*

### ۲- اسم‌های شمارش‌پذیر جمع

اگر نویسنده به گروه خاصی فکر کند، بیشتر از حرف تعریف استفاده می‌شود: کتاب‌های (*the books*) این مجموعه در قرن نوزدهم یا اوایل قرن بیستم منتشر شده‌اند.

درغیراین‌صورت، از هیچ حرف تعریفی استفاده نمی‌شود:

- زبان‌آموزان تمایل دارند حقایق جدید را وقتی به‌خاطر بسپارند که زمینه‌سازی شده‌اند.

## 3. Uncountable nouns

Uncountable nouns are not normally accompanied by an article:

- *Science has been defined as a systematic approach to answering questions.*
- *Reliability is an important quality of any test.*

### ۳- اسم‌های شمارش ناپذیر

اسم‌های شمارش ناپذیر به‌طور معمول با حرف تعریف همراه نیستند:

- علم (Science) در مقام رویکردی نظام‌مند برای پاسخگویی به سوال‌ها تعریف شده است.
- معتبر بودن (Reliability) شاخصه کیفیتی مهم در هر آزمون است.

But if they are post-modified by *of*....., or *which* ... the definite article is normally used:

- *The science of global warming is a complex and controversial area.*
- *The reliability of this instrument is poor.*
- *Chemistry is the science which addresses the composition and behaviour of matter.*

اما اگر آنها به‌همراه تعیین‌کننده پسین باشند یا اینکه ... حرف تعریف به‌طور معمول استفاده می‌شود:

- علم (The science) افزایش دمای کره زمین، موضوعی پیچیده و بحث‌برانگیز است.
- اعتبار (The reliability) این ابزار کم است.
- شیمی علمی (the science) است که به ترکیب و رفتار ماده پرداخته است.

#### 4. Names

Names and titles are not normally preceded by the definite article (*the*)

- *Manchester University, Manchester*

But this changes if the noun phrase contains a post-modifying structure (*of* ....)

- *The University of Manchester; The United States of America*

Or if they contain words like *organisation, association or institute*

- *The World Health Organisation, The American Heart Association, The Royal Society. The SETI Institute*

#### ۴- اسم‌ها

اسم‌ها و عناوین به‌طور معمول با حرف تعریف (*the*) همراه نیستند.

- دانشگاه منچستر، شهر منچستر

اما این تغییر می‌کند، اگر گروه اسمی حاوی ساختار تعیین‌کننده پسین ( ... ) باشد.

- دانشگاه منچستر؛ ایالات متحده آمریکا

یا در صورت داشتن واژه‌هایی مانند organisation, association or institute

- *The World Health Organisation, The American Heart Association, The Royal Society. The SETI Institute*

Apart from these simple rules, the other thing you need to do is to check how noun phrases are used in the texts that you read. Make a mental note of this as you read, or check back to the source text when you are writing.

جدای از این قوانین ساده، موضوع دیگری که باید انجام دهید، بررسی نحوه استفاده از گروه‌های اسمی در متونی است که می‌خوانید. هنگام خواندن این نکته را به‌خاطر بسپارید یا موقع نوشتن دوباره به متن منبع مراجعه کنید.

## A note on sentence structure

### 1. Simple sentences

In written English, all sentences contain a Subject → Verb structure. The subject always precedes the verb, except in questions where the order is reversed.

S	V
An electron	is an elementary particle.

### نکته‌ای در خصوص ساختار جمله

#### ۱- جمله‌های ساده

در نوشتار انگلیسی تمام جمله‌ها حاوی (فاعل ..... ساختار فعلی) هستند. فاعل همیشه مقدم بر فعل است، به‌جز سوال‌ها که برعکس است.

فاعل                      فعل

الکترون ذره بنیادی است.

The subject may be one word, but it is usually a group of words centred around a noun. The verb, which can indicate an action, a state, or simply serve to link the



These simple sentences always end in a full stop. In academic writing, however, many sentences are more complicated than this simple pattern.

این جملات ساده همیشه با نقطهٔ آخر خط تمام می‌شوند. باین‌حال، در نوشتار دانشگاهی بسیاری از جملات پیچیده‌تر از این الگوی ساده هستند.

## 2. Complex sentences

Many sentences contain more than one Subject → Verb structure, but one of these parts (known grammatically as clauses) will convey the main meaning and will make sense by itself:

Dependent part		Main part	
S	V	S	V
<i>Although findings of recent research have shown X,</i>		<i>no controlled studies have been reported.</i>	

### ۲- جمله‌های پیچیده

بسیاری از جمله‌ها بیش از یک (فاعل .... ساختار فعلی) دارند. یکی از این نوع‌ها (از نظر دستوری با نام بند شناخته می‌شود) معنی اصلی را منتقل و به‌خودی‌خود معنا پیدا می‌کند:

بخش اصلی

بخش وابسته

یافته‌های تحقیقات اخیر X را نشان داده است، اما هیچ مطالعهٔ سازمان‌یافته‌ای آن را گزارش نداده است.

The The main part of the sentence can also be placed before the dependent part.  
main part of the sentence is also known as the independent part.

Main part		
S	V	
<i>Oral societies</i>	<i>tend to be</i>	<i>more concerned with the present</i>

Dependent part			
	S	V	
<i>whereas</i>	<i>literate societies</i>	<i>have</i>	<i>a very definite awareness of the past.</i>



بخش اصلی جمله با نام بخش مستقل نیز شناخته می‌شود.

بخش اصلی جمله را می‌توان قبل از بخش وابسته نیز قرار داد.

بخش وابسته

بخش اصلی

جوامعی که ارتباط گفتاری دارند بیشتر به فکر زمان حال هستند؛ درحالی که جوامع باسواد از گذشته به‌طور کامل آگاهی دارند.

The dependent part of complex sentence is usually preceded by a word or phrase such as: *although, even though, if, even if, when, because, as, since, whereas, while.*

بخش وابسته در جمله پیچیده بیشتر با کلمه‌ها یا عبارت‌هایی مانند:

*although, even though, if, even if, when, because, as, since, whereas, while*

می‌آید.

### 3. Compound sentences

Some sentences may have two Subject → Verb structures and both of these convey meaning that can make sense by itself; in other words, there are two main parts. The two parts may be joined by words like *and, or, but, so*, or by using a semi-colon (;).

S	V
Supporters of the 'Great Divide' theory	agree that something is lost as well as gained when people become literate,

### ۳- جمله‌های مرکب

بعضی از جمله‌ها ممکن است دارای دو ساختار (فاعل ... ساختار فعلی) باشند و هر دو معنایی را منتقل می‌کنند که می‌تواند به‌تنهایی نیز معنا پیدا کند. به عبارت دیگر، دو بخش اصلی وجود دارد. این دو بخش ممکن است با کلماتی مانند *and, or, but, so* یا با استفاده از یک نقطه ویرگول (؛) به هم پیوند خورده باشند.

فعل

فاعل

طرفداران نظریه «شکاف بزرگ» اتفاق نظر دارند که وقتی افراد باسواد می‌شوند، چیزی را از دست می‌دهند و همچنین چیزی را به دست می‌آورند.

*but*

S	V	
they	consider	it is worth losing some benefits in order to obtain many others.

اما

فاعل فعل

آنها تصور می‌کنند دستیابی به مزایای دیگر، ارزش از دست دادن برخی مزایا را دارد.

#### 4. Common problems relating to sentence structure

Problems occur in writing when dependent parts of sentences are written as complete sentences with a full stop:

- *Whereas literate societies have a very definite awareness of the past. X*
- *Although a number of studies have been undertaken. X*

#### ۴- مشکل‌های رایج و مربوط به ساختار جمله

هنگامی که بخش‌های وابسته در جمله‌ها به صورت جمله‌های کامل با نقطه آخر خط می‌آیند، مشکل‌هایی در نوشتار رخ می‌دهد:

- در حالی که جوامع باسواد از گذشته به طور کامل آگاهی دارند. X
- اگرچه تعدادی از مطالعات انجام شده است. X

Problems also occur when two independent parts are written as one sentence without a joining word.

- *Supporters of the 'Great Divide' theory agree that something is lost as well as gained when people become literate, they consider it is worth losing some benefits in order to obtain many others. X*

همچنین وقتی دو بخش مستقل به صورت یک جمله آن هم بدون کلمه متصل کننده نوشته می شوند، مشکل ها خودنمایی می کنند.

- طرفداران نظریه «شکاف بزرگ» اتفاق نظر دارند که وقتی افراد باسواد می شوند، چیزی را از دست می دهند و همچنین چیزی را به دست می آورند. آنها تصور می کنند، ارزش این است که برای دستیابی به مزایای دیگر برخی از مزایا را از دست بدهیم. X

## A note on paragraph structure

A pattern that can be identified in many well-written paragraphs is that of a controlling idea followed by supporting information. The controlling idea, sometimes referred to as the *topic sentence*, introduces a new idea, topic, argument or piece of information into the main text. This is then either explained further or supported by subsequent sentences. This structure can be represented schematically thus:

### نکته ای در خصوص ساختار پاراگراف

الگویی که در بسیاری از پاراگراف های خوب نوشته شده مشخص است، مقدمه پاراگراف است که به دنبالش مطالب بعدی بیان می شود. مقدمه پاراگراف گاهی اوقات با نام عنوان پاراگراف نیز شناخته می شود. ایده، عنوان، برهان یا اطلاعات جدیدی را به متن اصلی اضافه می کند. در ادامه پاراگراف، مقدمه همان پاراگراف بیشتر توضیح داده می شود یا با جملات بعدی پشتیبانی می شود. این ساختار را می توان به صورت نموداری نیز نشان داد:

Topic Sentence (new point, expressed in general terms)
<p>Supporting Information which may include a combination of:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• an explanation or reason</li> <li>• reference to previous research</li> <li>• examples</li> <li>• quotations</li> <li>• statistics</li> <li>• specific aspects or details</li> <li>• a development in time</li> <li>• an effect or consequence</li> </ul>

مقدمه پاراگراف (نکته جدید، بیان شده به صورت کلی)
<p>مطالب پشتیبانی کننده که ممکن است ترکیبی از ... باشد.</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• توضیح یا دلیل</li> <li>• مراجعه به تحقیقات قبلی</li> <li>• مثال‌ها</li> <li>• نقل قول‌ها</li> <li>• آمارها</li> <li>• جنبه‌ها یا جزئیات خاص</li> <li>• پیشرفت در زمان</li> <li>• تأثیر یا پیامد</li> </ul>

It is important that the explanatory or supporting information in a paragraph should relate to the topic sentence. If new points or ideas are to be stated, then these should be treated in a separate paragraph. It is also important that the explanatory or supporting information should not repeat the general ideas expressed in the topic sentence.

این اهمیت دارد که مطالب توضیحی یا حمایتی در یک پاراگراف به مقدمه همان پاراگراف مربوط باشند. اگر قرار است مطالب توضیحی، نکته‌ها یا ایده‌های جدیدی را بیان کند، باید در یک پاراگراف جداگانه از آنها یاد شود. همچنین اهمیت دارد که مطالب توضیحی یا پشتیبانی کننده «ایده‌های کلی» بیان شده در مقدمه پاراگراف را تکرار نکنند.

An example of the kind of paragraph structure suggested above is given below. Note the development from the general idea to the more detailed information. Also note the thematic linking, which is signalled by the words in bold, between the sentences. Each of these words and phrases links back to an idea introduced in the previous sentence. Here, the sentences have been separated.

نمونه‌ای از یک نوع ساختار پاراگراف که در بالا پیشنهاد شده، در زیر آورده شده است. به مطالب دقیق‌تر در توضیح ایده کلی پاراگراف توجه نمایید. همچنین، به ارتباط کلمه‌های برجسته‌شده با دیگر جمله‌ها توجه داشته باشید. هر یک از این کلمه‌ها و عبارت‌ها به ایده معرفی شده در جمله قبلی باز می‌گردند. در اینجا، جمله‌ها از هم جدا شده‌اند.

Many children become interested in competitive sport at early ages.

Early involvement (prior to maturity) in **competitive sport** often exposes found individuals to types of stress that may affect their growth, producing a disruption of the normal growth pattern (Wang, 1978; Al Masry, 1998).

Among cyclists the most potentially serious of **these disorders** is likely to be increased thoracic curvature.

**Cycling** alters the anatomical position of the spine (to a flexed position) particularly the thoracic spine, and exposes the anterior portion of the vertebral column to higher compression (Smith, 1998; Jones, 2002).

بسیاری از کودکان در سنین پایین به ورزش‌های رقابتی علاقه‌مند می‌شوند.

ارتباط زودهنگام (قبل از بلوغ) با **ورزش‌های رقابتی**، اغلب افراد را در معرض انواع استرس‌ها قرار می‌دهد که ممکن است رشد آنها را تحت تأثیر قرار دهد و موجب ایجاد اختلال در الگوی رشد طبیعی شود (وانگ در سال ۱۹۷۸، آل ماسری در سال ۱۹۹۸).

در میان دوچرخه‌سواران جدی‌ترین **مشکل** شاید افزایش انحنای قفسه سینه باشد.

**دوچرخه‌سواری** وضعیت کالبدشناسی ستون فقرات را تغییر می‌دهد (به حالت خمیده). به‌ویژه ستون فقرات قفسه سینه و قسمت قدامی ستون مهره را در معرض فشار بیشتر قرار می‌دهد (اسمیت در سال ۱۹۹۸، جونز در سال ۲۰۰۲).

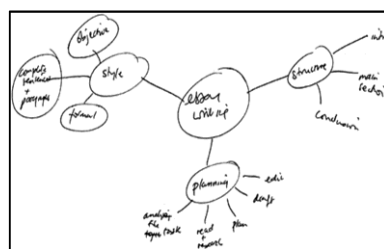
## A note on the writing process

So far this document has been about 'what we write'. This final section comprises a set of notes which are concerned with 'how' we write. It is organised into a series of helpful tips. Although only two pages are devoted to these ideas, together they have the potential to make a significant difference to the quality and quantity of your written output.

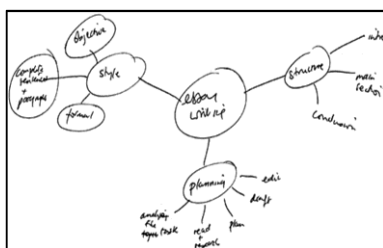
### نکته‌ای در خصوص فرایند نوشتن

تاکنون این مقاله درباره «طریقه نوشتن» بوده است. این بخش نهایی شامل مجموعه‌ای از نکته‌ها است که مربوط به «چگونگی» نوشتن می‌باشد. یکسری نکات مفید است. فقط دو صفحه به این ایده‌ها اختصاص داده شده است، اما در کنارهم می‌توانند شاخصه مناسبی در کیفیت و کمیت خروجی به نوشته شما اضافه کنند.

**Tip No. 1. The importance of planning:** Research has shown that experienced writers plan extensively. Initially, planning may involve simply generating ideas and exploring the relationships between them schematically, as in the diagram to the right. At a more advance stage of the planning process, a chapter outline of the thesis or dissertation will be necessary. This will become more detailed as you work on your study. You need to think of a writing plan as a road map. Without a map, you will probably lose your way or travel in circles.



**نکته شماره ۱- اهمیت برنامه‌ریزی:** تحقیقات نشان داده است که نویسندگان باتجربه، برنامه‌ریزی گسترده‌ای دارند. در ابتدا، برنامه‌ریزی ممکن است به‌سادگی خلق ایده‌ها و کاوش در روابط بین آنها به‌صورت نموداری باشد؛ همان‌طور که در نمودار سمت راست نشان داده شده است. در مرحله بسیار پیچیده از روند برنامه‌ریزی، طرح یک فصل از مقاله یا پایان‌نامه ضروری است. با کار روی مطالعه، این جزئیات بیشتر می‌شود. شما باید طرح نوشتاری را در مقام نقشه راه در نظر بگیرید. بدون نقشه، شاید مطلب را به اشتباه یا با ابهام برسانید.



**Tip No. 2. Getting started:** Many writers suffer from 'writers' block'; they find it difficult to get started. One way of overcoming this is to give yourself a short period of time (say four minutes), and without stopping, write whatever comes into your mind about the topic. The important thing to do is to keep writing, or if you are using a keyboard, to keep typing. Don't worry about spelling or grammar—just keep producing words. You will be surprised at how much text you will produce and how many ideas are generated in such a short time. Now you can begin to organise the ideas you have produced, ensuring that they are written in logically developed and grammatically correct sentences.



**نکته شماره ۲- شروع:** بسیاری از نویسندگان از «مانع برای نویسنده» رنج می‌برند. شروع کار برایشان دشوار است. یکی از راه‌های غلبه بر مسئله یادشده این است که به خودتان مدت زمان کوتاهی (برای مثال چهار دقیقه) بدهید و بدون توقف، هرآنچه که به ذهنتان می‌رسد درباره موضوع بنویسید. کار اصلی این است که به نوشتن ادامه دهید یا اگر از صفحه کلید استفاده می‌کنید به تایپ کردن ادامه دهید. نگران مشکل‌های دستور زبانی نباشید—فقط کلمات را خلق کنید. از اینکه چه مقدار متن خلق و چه تعداد ایده در مدت زمان کوتاه تولید می‌شود متعجب خواهید شد. اکنون می‌توانید ایده‌های خلق‌شده خود را سازماندهی کنید، اطمینان حاصل کنید که آنها با جمله‌های منطقی کنار هم آمده و از نظر دستوری درست نوشته شده‌اند.



**Tip No. 3. Be regular:** You should timetable yourself so that you have a regular daily writing slot. This may seem obvious, but it is fundamental to ensuring the production of written text. Timetable a writing period each day, and aim to produce some text every time. How much you produce will vary, and what you produce, even if it is just a few paragraphs, may only be in the initial draft stage. This is not so important. The important thing is that the writing becomes a part of your daily routine. Simply getting your body to sit in front of a computer at a certain time each day will produce results.

**نکته شماره ۳- منظم باشید:** باید برای خودتان زمان‌بندی کنید و یک فاصله زمانی برای نوشتن روزانه داشته باشید. ممکن است بدیهی به نظر برسد؛ اما برای اطمینان از تولید متن نوشتاری، اساسی است. با رسم جدول زمان خاصی را هر روزه برای نوشتن تعیین کنید و هر بار مطلبی را خلق کنید. میزان نوشتار شما متفاوت خواهد بود و آنچه می‌نویسید حتی اگر چند پاراگراف باشد، ممکن است فقط در مرحله پیش‌نویس اولیه قرار گیرد که البته خیلی اهمیت ندارد. نکته مهم این است که نوشتن به بخشی از برنامه روزانه شما تبدیل شود. به‌سادگی واداشتن بدن برای نشستن جلوی کامپیوتر هر ساعت در روز، نتیجه‌ای خواهد داشت.

**Tip No. 4. Keep a notebook:** When we are writing up a major piece of work, many ideas and insights come to us when we are not actually writing. Often, some of the most insightful ideas emerge when we are in a non-focussed cognitive state, such as when we are walking, running or swimming. Unless you can capture these ideas soon after they come to you, they may be lost. A small notebook and a pen is probably the best way to capture these thoughts before they disappear. The notebook itself can become a place where you develop the ideas and even start to formulate how the ideas will be developed in textual form.



**نکته شماره ۴- دفترچه یادداشت داشته باشید:** وقتی در حال نوشتن موضوع اصلی هستیم، ایده‌ها و بینش‌های زیادی به ذهن ما می‌رسند که درواقع آنها را نمی‌نویسیم. اغلب، برخی از بهترین ایده‌ها در این زمان‌ها به ذهن‌ها می‌آیند، مانند راه‌رفتن، دویدن یا شناکردن. و زمانی که نتوانید این ایده‌ها را سر موقع به‌خاطر بیاورید، ممکن است از یاد بروند. یک دفتر یادداشت کوچک و خودکار شاید بهترین راه برای ثبت این افکار قبل از فراموش شدن آنها است. خود این دفتر می‌تواند به جایی تبدیل شود که درونش ایده‌ها را سروسامان دهید و حتی شروع به گردآوری و چگونگی استفاده از ایده‌ها در قالب متن کنید.

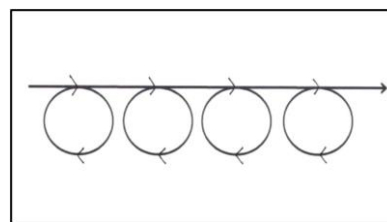




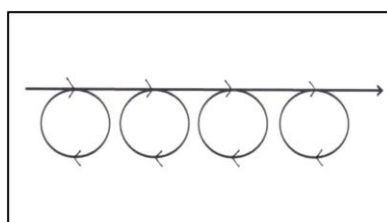
### Tip No. 5. Understand the recursive process:

Writing at the academic level is not something we can do once and then leave. It is a recursive process. This means writers return to their initial texts, revising and redrafting them. This process is ongoing. In fact, many writers find it difficult to stop improving their writing, but with time being limited, they try to do as much as they can before the onset of a particular deadline. One thing we do know:

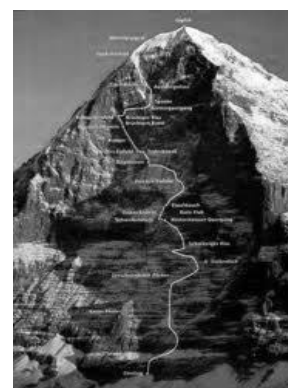
successful writers write initial drafts, redraft, work on final drafts and then edit their work.



نکته شماره ۵- درک فرایند بازگشتی: نوشتن در سطح علمی کاری نیست که بتوانیم یکبار انجام دهیم و سپس آن را ترک کنیم. دارای فرایند بازگشتی است. این بدان معنی است که نویسندگان به نوشته‌های اولیه خود باز می‌گردند و آنها را بازنگری و بازنویسی می‌کنند. این روند ادامه دارد. درحقیقت، دشوار است که بسیاری از نویسندگان جلوی نوشتن خود را بگیرند، اما با محدود شدن زمان سعی می‌کنند تا آنجا که می‌توانند بازنگری را قبل از شروع یک مهلت خاص انجام دهند. یک چیز را می‌دانیم: نویسندگان موفق پیش‌نویس‌های اولیه را می‌نویسند، بازنویسی می‌کنند، روی پیش‌نویس‌های نهایی کار می‌کنند و سپس کارهایشان را ویرایش می‌کنند.



**Tip No. 6. Stand back from your writing:** Think of yourself as a mountain climber. Most climbers, during a climb, can only see a few feet in front of their faces. They cannot see the whole mountain. They can see other mountains, but not the one they are climbing. To do this they need to move a few kilometres away. At such a distance, they can see the route they are planning and they can see how their planned route moves up the mountain. As a writer, you should ask yourself: Is the route to the 'top' unbroken? Do all the minor 'steps' move upwards? Can the minor 'steps' be 'carried out' more clearly? The best way to create a sense of distance with your writing is with time: Leave it a few days, or longer, and come back to your writing with fresh eyes and with a better sense of the overall structure.



**نکته شماره ۶- از نوشتن فاصله بگیرید:** خود را کوهنورد قلمداد کنید. بیشتر کوهنوردان هنگام صعود فقط چند فوت جلوتر از خود را می‌بینند. آنها نمی‌توانند کل کوه را ببینند. می‌توانند کوه‌های دیگر را ببینند، اما کوهی را که درحال صعود هستند، نمی‌بینند. برای این کار آنها باید چند کیلومتر دور شوند. در چنین مسافتی، می‌توانند مسیری را ببینند که در رسیدن به بالای کوه برنامه‌ریزی کرده‌اند. در مقام فرد نویسنده، باید از خود بپرسید: آیا مسیر رسیدن به «بالا» کج نیست؟ آیا همه «مراحل» کوچک، شما را به سمت بالا سوق می‌دهند؟ آیا می‌توان «مراحل» کوچک را با فراغ بیشتری «انجام داد»؟ بهترین راه برای فاصله گرفتن با نویسندگی، گذشت زمان است: چند روزی یا بیشتر نویسندگی نکنید و با دیدی تازه و درک بهتر از ساختار کلی به نوشتن برگردید.



**Tip No. 7. Read your own writing:** Read what you have written back to yourself, out loud if necessary, and ask yourself: i) do I understand what I have written? ii) does it sound natural? Reading your text out loud is actually the best way of checking this. If what you have written doesn't sound right to you when you do this, it is probably badly written. One famous French writer (Gustav Flaubert) used to shout out his manuscripts before sending them off to be published. He claimed that bad writing never passed this simple test.

**نکته شماره ۷- نوشته‌هایتان را بخوانید:** آنچه را که خود نوشته‌اید، در صورت لزوم با صدای بلند بخوانید و از خود بپرسید: الف) آیا من آنچه را که نوشته‌ام می‌فهمم؟ ب) آیا طبیعی به نظر می‌رسد؟ خواندن متن درحین آماده کردن آن، درواقع بهترین راه برای بررسی این مسئله است. اگر آنچه را که نوشته‌اید با خواندن نمی‌فهمید، شاید بد نوشته‌اید. یکی از نویسندگان مشهور فرانسوی (گوستاو فلوربت) عادت داشت قبل از فرستادن نوشته‌هایش برای انتشار، دست‌نویس‌هایش را با صدای بلند بخواند. او ادعا کرد که نوشته بی‌کیفیت جایی در نوشته‌هایش ندارد.

**Tip No. 8. Talk about your writing:** Writing is a very solitary activity and we tend not to talk about it to others. This is quite strange given that we spend so many hours on this activity. Asking another person to read some of what you have written and to give feedback can be a very useful experience; particularly if the feedback is reciprocal and both of you receive constructive criticism. It is worth bearing in

mind that academic writers often receive their papers back from journal editors or publishers asking them to make changes. You might also consider forming a group of writers like yourself. Together you can read each other's writing and share the feedback.

**نکته شماره ۸- درباره نوشته‌تان صحبت کنید:** نوشتن کاری بسیار انفرادی است و تمایل نداریم درباره آن با دیگران صحبت کنیم. با توجه به اینکه ساعت‌های زیادی را صرف این فعالیت می‌کنیم، صحبت نکردن درخصوص آن بسیار عجیب است. درخواست از شخص دیگر برای خواندن برخی از مطالبتان و بازخورد دادن، می‌تواند تجربه‌ای بسیار مفید باشد. به‌خصوص اگر بازخورد متقابل باشد و هر دو انتقاد سازنده دریافت کنید. لازم به یادآوری است که نویسندگان دانشگاهی، اغلب مقاله‌های خود را از ویراستاران یا ناشران دریافت می‌کنند و می‌توانند از آنها بخواهند تغییراتی ایجاد کنند. همچنین، ممکن است به فکر تشکیل گروهی از نویسندگان مانند خودتان باشید. با هم می‌توانید نوشته‌های یکدیگر را بخوانید و بازخورد خود را به اشتراک بگذارید.

























